

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۵
از صفحه ۵۵ تا صفحه ۹۰

تأثیر درآمدهای نفتی بر مخارج دولت در ایران به روش الگوی خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی

چکیده

یکی از مواردی که در متن سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ مورد تأکید قرار گرفته؛ قطع اتکای هزینه‌های جاری به درآمدهای نفت و تأمین آن از محل درآمدهای مالیاتی و اختصاص عواید نفت برای توسعه سرمایه‌گذاری بر اساس کارآیی و بازدهی است. از این رو این مقاله به بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر مخارج دولت در ایران طی دوره‌ی ۱۳۵۳-۱۳۹۰ با استفاده از الگوی خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی می‌پردازد. نتایج نشان داد که اثر درآمدهای نفتی هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر مخارج دولت (کل، مصرفی و عمرانی) دارد. لذا می‌توان بر اساس این مقاله به دولت‌مردان و سیاست‌گذاران هشدار داد که چنانچه اقتصاد ایران با این روند ادامه پیدا کند نه تنها اتکای دولت به درآمدهای نفتی قطع نمی‌شود بلکه روند وابستگی به این درآمدها به دلیل سهل‌الوصول بودن نیز افزایش می‌یابد. از این رو دولت باید از هم‌کنون به دنبال راه‌حل‌های مناسب برای افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در درآمدهای دولت بوده و در جهت کاهش اندازه دولت اقدام جدی را به عمل آورد.

دکتر اکبر کمیجانی

استاد اقتصاد، عضو هیأت علمی
دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

komijani@ut.ac.ir

روح‌اله نظری

دانشجوی دکتری علوم اقتصادی،
دانشگاه فردوسی مشهد

rnazari2004@yahoo.com

کلیدواژه:

درآمدهای نفتی، مخارج دولت،
درآمدهای مالیاتی، ایران، الگوی
خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی.

طبقه‌بندی:

JEL: H50, H20

۱. مقدمه و طرح موضوع

نفت در ایران برای اولین بار در سال ۱۹۰۸ میلادی برابر با اردیبهشت ۱۲۸۷ هجری شمسی در مسجد سلیمان کشف شد. این امر خود تحولی مهم محسوب می‌شد. در آن دوران درآمدهای نفتی چندان نقش مسطی بر درآمدهای ارزی ایران نداشت. بعد از جنگ جهانی دوم بود که نفت و فروش آن برای دولت اهمیتی مهم پیدا کرد. ارتباط نفت با درآمدهای دولت در سال ۱۳۲۷ شمسی با تشکیل سازمان برنامه و بودجه شکل گرفت. با تحریم‌هایی که به رهبری انگلستان بر سر اختلاف در تقسیم درآمدهای نفتی به وجود آمد دکتر مصدق قصد داشت اقتصاد بدون نفت را پیگیری و اجرا نماید که به دلیل وقوع کودتا توسط آمران محافظه کار خارج و داخل و عاملین آن‌ها این طرح ناکام ماند. بعد از کودتا نقش نفت در درآمدهای دولت پررنگ تر شد. درآمدهای نفتی به ابزاری برای دولتی کردن اقتصاد ایران تبدیل شد. با اتکا به درآمدهای نفتی، دولت با افزایش بوروکراسی سلطه‌ی خود را بر جامعه نهادینه نمود. به تدریج اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی متکی شد. این امر فرهنگ وابستگی را در جامعه ترویج می‌داد. همین وابستگی دولت پهلوی به نفت، تصدی‌گری اقتصادی و مالی در تمام حیات اقتصادی جامعه ایرانی را گسترش داد. به عبارت بهتر دولت با اتکا به دلارهای نفتی سلطه‌ی خود بر اقتصاد ایران را قطعی نمود. در اوایل دهه‌ی ۵۰ شمسی قیمت نفت چهار برابر افزایش یافت. در سال ۱۳۵۴ اقتصاد ایران بالاترین درآمد نفتی را بدست آورد. با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ و هدف قرار گرفتن تأسیسات نفتی، طی سال‌های جنگ از توانایی و ظرفیت تولید و صادرات نفت در کشور کاسته شد و در عمل دولت قادر به کسب درآمدهای نفتی پیش‌بینی شده نبوده است. این امر باعث شد که سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای عمومی دولت از ۶۷ درصد در سال ۱۳۵۹ به ۳۸/۸ در سال ۱۳۶۷ کاهش یابد. عامل دیگری که موجب کاهش سهم درآمد نفت از کل درآمدهای عمومی طی دوره مذکور شده آن است که از سال ۱۳۶۲ رقمی تحت عنوان فروش ارز به سایر درآمدهای عمومی دولت افزوده شد.^۱ و این رقم به تدریج افزایش یافت و همین امر موجب کاهش سهم نفت از کل درآمدهای عمومی دولت شد. تصمیم به اصلاح نرخ ارز مورد استفاده در محاسبات بودجه‌ای که از سال ۱۳۷۲ اتخاذ شد موجب شد تا سهم نفت در کل درآمدهای عمومی دولت به شدت افزایش یابد و این سهم که در سال ۱۳۷۱ معادل ۵۲ درصد بود، در سال ۱۳۷۲ به ۷۲/۵ درصد برسد. در سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ متعاقب با کاهش قیمت نفت، سهم درآمد نفت از درآمدهای عمومی دولت به ۵۸/۴ و ۴۲ درصد کاهش یابد و از سال ۱۳۷۸ با افزایش قیمت نفت این سهم افزایش یافت و در سال ۱۳۷۹ به ۵۶/۸ درصد رسید و این روند تا سال ۱۳۸۱ ادامه یافت اما از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۸ روند کاهشی یافت. به طوری که از ۶۱/۷ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۲۶/۲ درصد در سال ۱۳۸۸ رسید. اما طی سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ روند افزایشی یافته و سهم درآمد نفت از درآمدهای عمومی دولت به ۴۰/۴ رسیده است.^۲

۱- البته از سال ۱۳۷۹ رقم فروش ارز جزء فروش نفت به حساب می‌آید
۲- جدول پیوست مقاله این مطلب را تأیید می‌کند.

نفت کلیدی‌ترین و در عین حال سیاسی‌ترین کالای دنیای امروز است و از همین‌رو سیاست‌گذاری نفتی کشورهای نفت‌خیز در واقع بخش عمده‌ای از سیاست‌گذاری ملی این کشورها را تشکیل می‌دهد و در این کشورها هرگونه برنامه‌ریزی اقتصادی متأثر از سیاست‌های نفتی است. همین امر اهمیت توجه به نفت و فرآورده‌های نفتی را دوچندان کرده است. بخش نفت اهمیت زیادی در اقتصاد ایران دارد، هم به لحاظ جایگاه آن در تولید ناخالص داخلی کشور و هم به لحاظ سهم درآمدهای نفتی در بودجه دولت و نیز منابع ارزی کشور است.^۱ آنچه اکثر کارشناسان بر آن اتفاق نظر دارند و آمارهای اقتصادی نیز آن را تأیید می‌کند این است که افزایش درآمدهای نفتی منجر به افزایش سرمایه‌گذاری ملی می‌شود. این نتیجه در واقع مشکل اساسی اقتصاد ایران می‌باشد که همان وابستگی به درآمدهای نفتی است. درآمدهای نفتی به دو عامل مهم قیمت جهانی نفت و میزان صادرات نفت بستگی دارد. واضح است که اتکای دولت به درآمدهای نفتی نامطلوب است، زیرا مخارج دولت به خصوص در اعتبارات جاری و برای اداره سازمان‌های دولتی هزینه‌هایی هستند که خصلت دائمی دارند. حتی هزینه‌های عمرانی برای قسمت عمده آن که طرح‌های غیرانتفاعی است خاصیت بلندمدت دارند و با انجام این طرح‌ها هزینه‌های تعمیر و نگهداری آن‌ها وجود دارد. وابسته کردن این مخارج به درآمدهای نفت که فوق‌العاده پرنوسان است غیرمنطقی بوده و صحیح نیست. به همین دلیل دوراندیشی و لزوم ایجاد یک مالیه عمومی سالم و پایدار ایجاد می‌کند که اتکای بودجه دولت به خصوص بودجه جاری را به درآمدهای نفتی کاهش داده و سعی شود هزینه‌ها مبتنی بر درآمدهای مالیاتی شود. مشکلاتی که اتکا به درآمدهای دولت در بودجه بر درآمدهای حاصل از صادرات نفت ایجاد می‌کند، بسیار دامنه‌دار است. هنگامی که درآمدهای دولت به علت تنزل قیمت‌ها و کاهش درآمد ناشی از صادرات نفت کاهش می‌یابد دچار کسری بودجه عمومی می‌شویم. از آنجا که هزینه‌های بودجه عمومی به خصوص هزینه‌های جاری بسیار انعطاف‌ناپذیر هستند دولت ممکن است ناگزیر به استقراض شود که می‌تواند اثرات نامطلوبی ایجاد کند. اتکای کشور به درآمدهای نفتی و ارز حاصل از صادرات نفت از طریق تغییراتی که در موازنه پرداخت‌ها و ذخایر ارزی کشور روی می‌دهد اثرات منفی بر اقتصاد کشور دارد. کاهش ناگهانی درآمدهای ارزی با توجه به بی‌کشش بودن تقاضا برای واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و مصرفی، ضروری، تولید کشور را تحت تأثیر قرار داده و شرایط رکود را در فعالیت‌های اقتصادی ایجاد می‌کند

بحث استفاده از درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران از دیرباز مورد توجه کارشناسان اقتصادی بوده است.^۲ رشد این نوع درآمدها در سال‌های اخیر و میزان تزریق آن به طرح‌های سرمایه‌گذاری به‌ویژه در قانون بودجه

۱- اما نقش بخش نفت به همین‌جا خاتمه نمی‌یابد. در حال حاضر فعالیت‌های مربوط به نفت و گاز به خصوص در صنایع و بخش‌های بالادستی جزء سودآورترین فعالیت‌های اقتصادی کشور است، به طوری که به‌رغم شرایط محیطی و بین‌المللی، شرکت‌های نفت و گاز بین‌المللی علاقه‌مند به فعالیت در این بخش‌ها هستند. از آنجا که به‌طور کلی بخش‌های اقتصادی که ارتباط نزدیکی با بازارهای بین‌المللی داشته و سرمایه‌گذاری خارجی در آنها صورت می‌گیرد کارآمدترین بخش‌های اقتصادی می‌باشند و انتقال فناوری و دانش نوین تولید، عمدتاً از طریق این بخش‌ها صورت می‌گیرد و نیز به دلیل مزیت‌های نسبی فعالیت‌های پایین‌دستی صنعت نفت که در حال حاضر موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی کشور می‌باشد، شرایط ایجاد می‌کند از طریق اصلاحات ساختاری، بهره‌وری بخش نفت را افزایش داده و رشد و توسعه اقتصادی کشور را تسریع کرد.

۲- جوادی و زنون، ۱۳۸۷: ۳.

سال ۱۳۸۵ چالش‌های ریادی را برانگیخته است. به طوری که می‌توان از آن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تصمیم اقتصادی دولت نهم برای استفاده از درآمد نفت یاد کرد. آثار چنین تصمیمی در ادبیات اقتصادی به بیماری هلندی شهرت پیدا کرده است. در اغلب کشورهای که سهم عمده‌ای از مخارج دولت را مالیات‌ها تأمین می‌کند، مالیات و به ویژه کسب آن به عنوان یک عامل مهم در تحدید مخارج دولت به شمار می‌رود. ولی این مسأله در اقتصاد کشور ایران به چشم نمی‌خورد. زیرا، سهم به سزایی از مخارج دولت به درآمدهای نفت متکی است.^۱ لذا این مقاله به بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر مخارج دولت در ایران برای دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۳ می‌پردازد.

۲. ناپایداری مالی و سیاست مالی ادواری در ایران

مسأله‌ای که کشورهای صادرکننده نفت با آن روبه‌رو هستند و سیاست مالی محافظه‌کارانه و حفظ ذخایر ارز خارجی را می‌طلبد ناپایداری مالی است. بدین مفهوم که دولت بدون درآمدهای حاصل از نفت نمی‌تواند وضعیت مالی خود را حفظ کند. کاهش قیمت نفت خام، اتمام ذخایر نفتی، منسوخ شدن استفاده از نفت یا تحریم نفتی که می‌تواند موجب ناپایداری مالی شود. نسبت کسری بودجه بدون نفت^۲ به تولید ناخالص داخلی بدون معیار مناسب اندازه‌گیری ناپایداری مالی در کشورهای صادرکننده نفت است. کشورهای صادرکننده نفت باید تلاش کنند که این نسبت در بلندمدت به صفر میل کند، اما بررسی روند این نسبت در ایران نشان از ناپایداری مالی می‌دهد. برای نمونه در سال‌های اخیر این نسبت رشد قابل توجهی داشته است. در سال ۱۳۸۰، ۱۶ درصد، در سال ۱۳۸۱، ۱۹/۵ درصد، در سال ۱۳۸۲، ۱۸/۷ درصد، در سال ۱۳۸۳، ۱۸/۴ درصد، در سال ۱۳۸۴، ۲۵/۵ درصد، در سال ۱۳۸۵، ۲۵/۳ درصد بوده است. سیاست مالی ادواری^۳ بدین مفهوم است که سیاست مالی دولت در مخارج به صورت دوره‌ای با افزایش و کاهش قیمت نفت تغییر می‌کند و مخارج دولت روند همواری ندارد. با افزایش قیمت نفت، درآمدهای نفتی افزایش یافته و دولت بدون توجه به آثار اقتصادی و افق بلندمدت برنامه‌های اقتصادی بخش مهمی از درآمد نفت را هزینه می‌کند و بنابراین مخارج دولت با قیمت و درآمد نفت همبستگی بالایی دارد. این مطلب می‌تواند مشکلاتی را برای اقتصاد ایران به بار آورد. سیاست مالی ادواری می‌تواند نوسانات اقتصادی را تقویت کند و ثبات اقتصادی را از بین ببرد، به طوری که با افزایش قیمت نفت، رونق در بخش‌های ساختمان و خدمات به وجود آمده و با کاهش قیمت نفت، این بخش‌ها دچار رکود می‌شوند. از طرف دیگر با افزایش قیمت نفت طرح‌های عمرانی زیادی شروع شده و با کاهش قیمت نفت طرح‌های عمرانی نیمه تمام باقی مانده یا سرعت پیشرفت آن‌ها کند می‌شود، بنابراین ائتلاف منابع صورت می‌گیرد. همچنین افزایش قیمت نفت، افزایش مخارج دولت و

۱- سامتی، ۱۳۷۲.

۲- کسری بودجه بدون نفت عبارت است از کسری بودجه منهای کل استفاده از درآمدهای نفتی در بودجه.

3- Procyclical Fiscal Policies

افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات را موجب شده و تورم را به همراه می‌آورد و کاهش قیمت نفت، کاهش مخارج و کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات را به بار آورده و موجب افزایش بیکاری می‌شود.^۱

افزایش قیمت نفت در سیکل جدید رونق نفتی اگر چه فرصت‌های بی‌بدیلی را پیشروی اقتصاد ایران قرار داده است، با این حال مهم‌ترین نگرانی، کارکرد مکانیزم‌هایی است که در بلندمدت موهبت منابع را تبدیل به شومی منابع می‌کنند. چالش توسعه‌ی اقتصاد ایران، جدال بر سر تعیین میزان تزریق درآمدهای ارزی در قالب بودجه‌های سنواتی دولت نیست، بلکه تزریق هر مقدار از منابع نفتی به پیکر اقتصادی تعیین‌کننده‌های اصلی رشد چون: کارکرد صحیح و کارآمد دولت و بازار، توسعه‌ی فناوری، توسعه‌ی کیفی آموزش و مهارت، بخش خصوصی کارآفرین، محیط باثبات اقتصاد کلان، نهادهای باکیفیت و تعامل با دنیای خارج، در آن ضعیف و یا تعطیل است، رشد اقتصادی بالا و مستمر نصیب کشور نخواهد کرد.

اگر افزایش درآمدهای ارزی نفت بدون توجه به ماهیت منابع تأمین مخارج، ترکیب مخارج و کیفیت مخارج تنها سطح مخارج عمومی را بیفزاید، مخارج دولت بر پایه‌ی درآمدهای پایدار شکل نگرفته و باگذشت دوره‌ی رونق نفتی، دولت را با کسری بودجه فزاینده‌تری مواجه خواهد کرد.^۲

۳. نگاهی به چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴

یکی از اهداف مهم تنظیم سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، تبدیل کشور به قدرت اول منطقه از لحاظ اقتصادی، فنی و علمی برشمرده شده است.^۳ تدوین سند چشم‌انداز از موضوعاتی است که در جهان سابقه زیادی ندارد. اما با وجود این، برخی کشورها نظیر مالزی با بهره‌گیری از این الگو، به توفیقات زیادی نایل شده‌اند که این مسأله نشانگر ظرفیت این رویکرد در بسیج نیروها و ایجاد هماهنگی و هم‌سویی برای تحقق آرمان‌ها و خواسته‌های ملت است. در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، مفهوم و نقش سند چشم‌انداز در فرایند تدوین و اجرای استراتژی، توجه اندیشمندان را به خود جلب کرد. هنوز پژوهشگران در مورد تعریف و ابعاد سند چشم‌انداز، به نظر مشترکی نرسیده بودند که دامنه به کارگیری آن در عمل گسترده شد. در منابع مکتوب مدیریتی، چشم‌انداز با عباراتی چون دورنما، آرمان، تصویر آرمانی و رویای سازمان، ذکر شده است.^۴ چشم‌انداز برداشتی ذهنی است که افراد از آینده دارند و موجب اشتیاق در افراد جهت دستیابی به اهداف می‌شود. چشم‌انداز؛ فکر عملی، اعتباربخش و جذاب برای آینده سازمان است.^۵ در متن نهایی سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ چشم‌انداز بدین صورت تعریف شده است: «چشم‌انداز» مبتنی بر ارزش داوریهایی است که به وضعیت مطلوب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

۱- جواد و زبور، ۱۳۸۷: ۳۴-۳۳.

۲- درگاهی، ۱۳۸۷.

۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲.

۴- شفیع‌د و صبوره‌دیلی، ۱۳۸۷: ۱۷۵.

۵- رضائیان، ۱۳۸۴: ۶-۷.

و زیست محیطی جامعه در عین توجه به واقعیت‌های آن اشاره دارد. چشم انداز تصویری از آینده مطلوب را ترسیم می‌کند که هرگاه در ذهن آحاد جامعه جای بگیرد، مسیر تحولات و دگرگونی‌های جامعه را هموارتر می‌کند. یکی از مواردی که در متن سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ مورد تأکید قرار گرفته؛ قطع اتکای هزینه‌های جاری نفت و تأمین آن از محل درآمدهای مالیاتی و اختصاص عواید نفت برای توسعه سرمایه‌گذاری بر اساس کارآیی و بازدهی است. البته در ابلاغیه سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله پنجم که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۸۷ ابلاغ گردید، نیز در بند ۲۲ و زیربندهای آن به تأسیس صندوق توسعه ملی به منظور استفاده بهینه از درآمد نفت برای توسعه کشور اشاره شده است. به هر حال برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز یقیناً نیاز به تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن می‌باشد. بر اساس بند ۲۲ و زیربندهای آن دولت برای ایجاد تحول در مدیریت دولتی و بهبود کارآمدی آن و قطع وابستگی بودجه‌های جاری دولت به درآمد نفت، لازم است در سال اول برنامه پنجم اسانامه صندوق توسعه ملی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و سالانه ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به این صندوق واریز گردد. و قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه پنجم مورد تأکید قرار گرفته است. باید اذعان کرد که تاکنون سیاست‌های این چنین راهگشا، شفاف و راهبردی در کشور تعیین و ابلاغ نگردیده است.

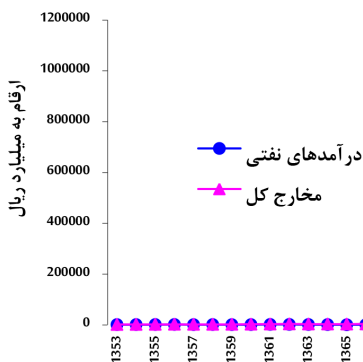
۴. تحلیل آماری متغیرهای پژوهش

با وقوع نخستین تکانه نفتی در سال ۱۹۷۳ میلادی، مرحله جدیدی از نگرش به انرژی به‌طور اعم، و نفت به‌طور اخص، به وجود آمد. مصرف‌کنندگان عمده، متوجه عمده محدود بودن منابع و لزوم تحت کنترل در آوردن بیشتر آن، برای حصول اطمینان از عرضه شدند و اقداماتی را برای غلبه بر نقاط ضعف خود انجام دادند. انرژی، و به ویژه نفت، برای کشور ما حکایت دیگری دارد برخی معتقد هستند که درآمدهای حاصل از نفت نوعی از زندگی را برای ما فراهم کرد که شایسته تلاش و کارفرمائی نبوده است، و به نوعی، فرهنگ تنبلی و مصرفی بودن را در ملت ما ترویج کرده است. نفت به همان میزان و شاید بیشتر در تعیین نظام سیاسی و ساختار اقتصادی ما نقش داشته است. به‌طوری که امروزه درآمدهای نفتی ارتباط تنگاتنگ با وضعیت اقتصاد و ثبات سیاسی جامعه دارد. کمبود درآمدهای نفتی از طریق محدود کردن واردات کالاهای مصرفی، رفاه مردم، و از طریق محدود کردن واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، بخش تولیدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌طور کلی، رشد تولید ناخالص داخلی به شدت، تحت تأثیر صادرات نفت خام و درآمدهای حاصل از آن می‌باشد. از سوی دیگر انرژی به عنوان یک عامل تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به اندازه عوامل تولید دیگر، مانند کار و سرمایه دارای اهمیت است.^۱ سایه نفت بر بودجه و نظام بودجه‌ای کشور از نکات مهم در اقتصاد نفتی است، این سایه از دهه ۱۳۴۰ بر اقتصاد ایران نمایان

۱-۱. یوسفی، ۱۳۷۸: ۲-۳.

گشت و همچنان نیز ادامه دارد تا اقتصاد نتواند بدون نفت به حیات خود ادامه دهد. از سال‌های ۱۳۴۰ به بعد این سایه به اقتصاد کشور گسترده شد. تا سال ۱۳۴۲ بودجه جاری کشور در وزارت اقتصاد و دارایی و بودجه عمرانی نیز توسط سازمان برنامه و بودجه تنظیم می‌شد. درآمد نفت فقط جزء منابعی بود که در بودجه عمرانی گنجانده می‌شد لذا از درآمد نفت برای تأمین هزینه‌های جاری دستگاه‌ها استفاده نمی‌شد و هزینه‌های جاری را وزارت اقتصاد و دارایی با مالیات تنظیم می‌کرد از زمانی رژیم گذشته خواست تحولی ایجاد کند و نظام اداری را گسترش دهد چون مالیات کفاف هزینه‌ها را نمی‌داد درآمدهای نفتی به عنوان یک منبع درآمد در نظر گرفته شد.^۱ نمودار (۱) روند درآمدهای نفتی و مخارج کل دولت را طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۳ نشان می‌دهد. همزمان با افزایش درآمدهای نفتی، مخارج دولت نیز افزایش یافته است. و زمانی که درآمدهای نفتی کاهش یافته، مخارج دولت نیز با کاهش مواجه شده است. در برنامه تعدیل اقتصادی ایران بر کاهش اتکا به درآمدهای نفتی تأکید گردید. اما طی سال‌های بعد از اجرای برنامه تعدیل و خصوصی‌سازی بر اتکا به درآمدهای نفتی نیز افزوده شد.^۲ و امروزه بودجه دولت بیش از پیش به درآمدهای نفتی متکی است.^۳

نمودار (۱): روند درآمدهای نفتی و مخارج کل دولت در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۳



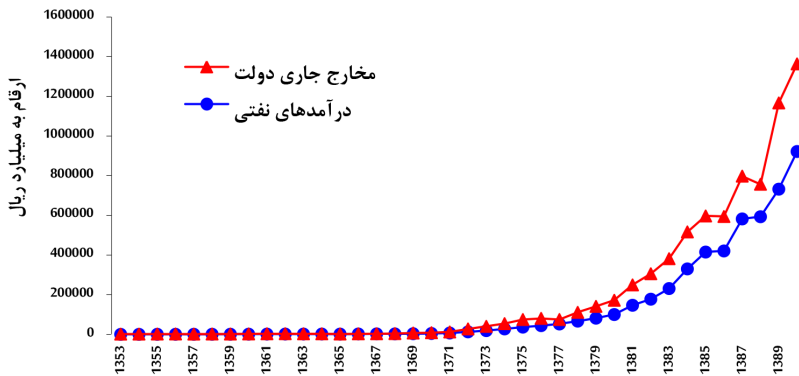
۱- امینی و همکاران، ۱۳۷۵.

۲- کمالی دهکردی، ۱۳۷۲: ۱۵۹.

۳- علی‌رغم آنکه قانون برنامه چهارم توسعه دولت را مکلف کرده است تا پایان برنامه پنجم رابطه هزینه‌های جاری با درآمد نفتی قطع گردد هر سال شاهد افزایش وابستگی بودجه کشور به درآمدهای نفتی هستیم. همچنین در قانون برنامه پنجم توسعه ماده ۱۱۷ نیز تأکید شده است که به منظور قطع کامل وابستگی اعتبارات هزینه‌ای به عواید نفت و گاز از طریق افزایش سهم درآمدهای عمومی در تأمین اعتبارات هزینه‌ای دولت، به نحوی اقدام شود که در پایان برنامه نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی مشروط به عدم افزایش نرخ مالیات‌های مستقیم و با گسترش پایه‌های مالیاتی حداقل به ده درصد (۱۰٪) برسد.

نمودار (۲) روند درآمدهای نفتی و مخارج جاری دولت را طی سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۹۰ نشان می‌دهد. همزمان با افزایش درآمدهای نفتی، مخارج جاری دولت نیز افزایش یافته است. و زمانی که درآمدهای نفتی کاهش یافته، مخارج جاری دولت نیز با کاهش مواجه شده است. یکی از پیامدهای کاهش در قیمت و درآمدهای نفتی، کاهش هزینه‌های جاری دستگاه‌های دولتی است. ممنوعیت استخدام، خریدهای دولتی، واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی به منظور کاهش بار مالی آن‌ها بر دولت از شیوه‌های کاهش هزینه‌های جاری در کشورهای صادرکننده نفت است.

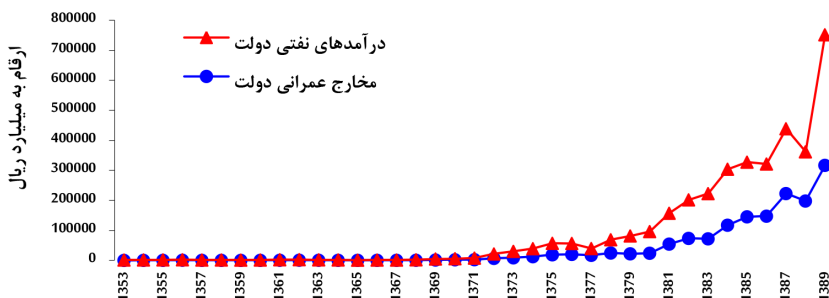
نمودار(۲): روند درآمدهای نفتی و مخارج جاری دولت در ایران طی سالهای ۱۳۵۳-۱۳۹۰



نمودار (۳) روند درآمدهای نفتی و مخارج عمرانی دولت را طی سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۹۰ نشان می‌دهد. همزمان با افزایش درآمدهای نفتی، مخارج عمرانی دولت نیز افزایش یافته است. و زمانی که درآمدهای نفتی کاهش یافته، مخارج عمرانی دولت نیز با کاهش مواجه شده است. یکی از پیامدهای کاهش در قیمت و درآمدهای نفتی، توقف یا گُند شدن اجرای پروژه‌های عمرانی و ملی است. این شیوه افزون بر این که بر نرخ رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت و روند توسعه در این کشورها بازتاب منفی دارد، سبب کاهش و یا توقف اشتغال در این کشورها می‌شود.^۱

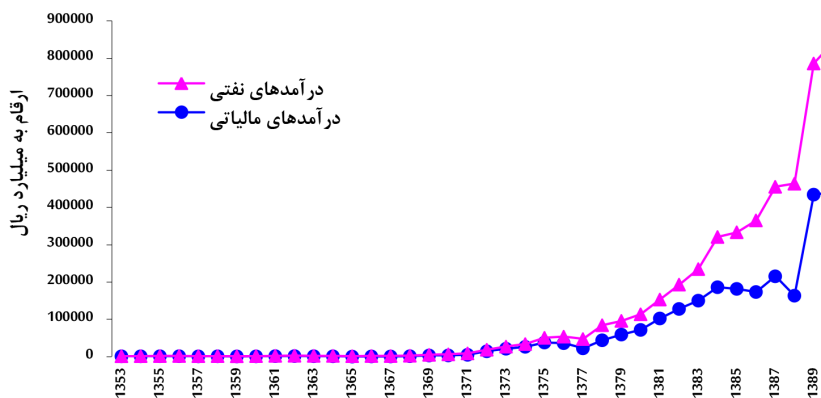
۱- فرشادکهر، ۱۳۸۲، ۸.

نمودار(۳): روند درآمدهای نفتی و مخارج عمرانی دولت در ایران طی سالهای ۱۳۵۳-۱۳۹۰



نمودار (۴) روند درآمدهای نفتی و درآمدهای مالیاتی دولت را طی سالهای ۱۳۵۳-۱۳۹۰ نشان می‌دهد. همزمان با افزایش درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی دولت نیز افزایش یافته است. و زمانی که درآمدهای نفتی کاهش یافته، درآمدهای مالیاتی دولت نیز با کاهش مواجه شده است. اگر چه نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی پایین است ولی بخشی از همین نسبت پایین وابسته به بخش نفتی است. مالیات بر واردات به عنوان بخش اصلی مالیات غیرمستقیم از نظر سهم در نوسان بوده است. این نوع مالیات با توجه به ساختار ارزی کشور که عمدتاً متأثر از صادرات نفت می‌باشد مستقیماً به صادرات نفت، درآمدهای ارزی آن و میزان واردات مرتبط است.^۱

نمودار(۴): روند درآمدهای نفتی و درآمدهای مالیاتی در ایران طی سالهای ۱۳۵۳-۱۳۹۰



۱- رزاقی، ۱۳۸۰: ۷۰.

نگاهی به کشورهای کره جنوبی، تایوان، سنگاپور و هنگ کنگ نشان می‌دهد که این کشورها فاقد منابع طبیعی فراوان هستند و با مدیریت و برنامه‌ریزی و دارا بودن نهادهای سیاسی کارآمد توانسته‌اند به کشورهایی صنعتی تبدیل شوند که امروزه در اقتصاد سیاسی بین‌الملل آن‌ها را کشورهای تازه صنعتی شده (NICs) می‌نامند.^۱ که این توسعه و شکوفایی صنعتی محصول فروش نفت نبوده‌است. مهم‌ترین عامل نخبگان سیاسی توسعه‌گرا و نهادهای سیاسی-اجتماعی کارآمد و توسعه‌گرا بوده‌است. نروژ، یک الگوی استفاده‌ی درست از درآمدهای نفتی است این کشور بعد از عربستان و روسیه سومین صادرکننده نفت در دنیا محسوب می‌گردد. نهادهای سیاسی-اجتماعی کارآمد توانسته‌اند این درآمدها را صرف افزایش ثروت ملی بنمایند. عمده درآمدهای نفتی نروژ در صندوق ذخیره ارزی این کشور که آن را صندوق دولتی نفت نروژ می‌نامند پس‌انداز می‌گردد و دولت به‌هیچ‌عنوان حق برداشت از آن را ندارد. نکته‌ی مهم این است که از مجموع درآمدهای دولت نروژ ۲۰ درصد متعلق به نفت و ۸۰ درصد متعلق به صادرات صنایع الکترونیکی پیشرفته می‌باشد. به رغم این‌که نروژ سومین صادرکننده نفت در دنیا می‌باشد اما فقط ۲۰ درصد درآمدهای دولتی و بودجه دولتی این کشور از نفت تأمین می‌گردد و مابقی از صنایع الکترونیکی و مالیات تأمین می‌شود. در واقع نهادهای سیاسی-اجتماعی کارآمد نروژ این امر را در راستای کاهش وابستگی این کشور به درآمدهای نفتی انجام داده‌اند و پیش‌بینی می‌شود طی سال‌های آینده رقم ۲۰ درصد هم کاهش یابد. صندوق دولتی نفت نروژ (یا همان صندوق ذخیره ارزی) به‌صورت رسمی در سال ۱۹۹۶ میلادی کار خود را شروع کرد. تمام درآمدهایی که به این صندوق واریز می‌گردد در خارج از کشور نروژ و در بازارها و بورس‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری می‌شود. افزایش ناگهانی درآمدهای نفتی نه تنها به تورم یا رکود اقتصادی در نروژ منجر نشده‌است بلکه با برنامه‌ریزی درست و توسعه‌گرا و نظارت نهادهای مردم‌سالار، صرف افزایش ثروت ملی از طریق رونق سرمایه‌گذاری خارجی برای این کشور شده‌است. لذا می‌توان گفت که منابع طبیعی از مهم‌ترین عوامل ثروت ملی یک کشور می‌باشند. اما چنان‌چه برای استفاده‌ی درست و بهینه از این منابع و درآمدهای آن حکومت‌ها برنامه‌ریزی عملی نمایند ممکن است این منابع به‌جای نعمت تبدیل به نفرین شوند. استفاده درست از درآمدهای نفتی در یک کشور باعث افزایش ثروت ملی یا بهبود رفاه عمومی می‌گردد؟ یا بالعکس ممکن است باعث بروز نارسایی‌هایی از جمله بیماری هلندی گردد. این بسته به نوع بینش سیاست‌گذاران و دولت‌مردان دارد.

۵. مروری بر مطالعات تجربی

تحقیقات انجام شده در رابطه نقش دولت در اقتصاد نیز نتایج متفاوتی را بدست می‌دهند. این تحقیقات

۱ - مطالعات تجربی مختلف نشان می‌دهند رشد اقتصادی با وفور منابع طبیعی دارای رابطه‌ی معکوس است. به عبارت دیگر کشورهای با صادرات مبتنی بر منابع طبیعی بالا و یا با سرمایه‌ی طبیعی بالا دارای رشد اقتصادی پایینی هستند. برای نمونه رجوع شود: Gylfason (1999, 2001), Sachs and Warner (1995, 1999, 2001), Sala-i-Martin, Xavier and Arvind Subramanian (2003)

به خصوص با توجه به مقوله خصوصی سازی در سال‌های دهه ۸۰ در مرکز توجهات قرار گرفته است.^۱ با توجه به اختلاف نظرهای زیادی که در رابطه با محدوده دخالت دولت وجود دارد. مطالعات گسترده‌ای پیرامون این موضوع صورت گرفته است که برخی بر حضور بیشتر دولت تأکید می‌کنند، برخی دیگر حضور دولت را مانعی برای رشد اقتصاد می‌دانند و برخی دیگر نیز حضور مثبت یا منفی دولت را منوط به نوع حضور آن در اقتصاد می‌دانند. به برخی از این مطالعات اشاره می‌کنیم. شاید اولین مطالعه تجربی در زمینه فعالیت‌های دولت به اقتصاددان قرن نوزدهم آلمان، آدولف واگنر (اقتصاددان سوسیالیستی) مربوط می‌شود. الگویی که به قانون واگنر نیز مشهور است، وی بیان می‌دارد: "با رشد درآمد سرانه اقتصاد، اندازه نسبی بخش عمومی نیز افزایش می‌یابد." وی طبق مشاهده‌های خود، مسأله‌ی رشد بخش عمومی چند کشور اروپایی، آمریکا و ژاپن را طی قرن نوزدهم مورد توجه قرارداد. و دریافت مادامی که اقتصاد در جهت صنعتی شدن پیش می‌رود، ماهیت روابط بین بازارها، گسترده‌تر و واحدها و مؤسسه‌های موجود در این بازارها نیز پیچیده‌تر می‌شود. شهرنشینی و تراکم زیاد جمعیت موجب بروز پیامدهای خارجی شده و مداخله یا قانون‌گذاری بخش عمومی ضرورت می‌یابد. بدیهی است خود این امور، مستلزم دخالت بیشتر دولت و بخش عمومی در اقتصاد است. لذا واگنر ظهور بخش‌های خدمات بانکی دولتی، خدمات قانونی، رشد هزینه‌های عمومی آموزش و پرورش و خدمات بهداشتی ارائه شده توسط بخش عمومی را مورد تأکید قرار داده و کشش درآمدی تقاضای آن‌ها را محاسبه کرده است. از نظر واگنر، این خدمات دارای حساسیت درآمدی تقاضای بالاست. از این رو، با افزایش درآمد واقعی در اقتصاد مخارج عمومی برای این خدمات به نسبت بیشتری افزایش می‌یابد و این به نوبه خود باعث افزایش نسبت مخارج عمومی به تولید ناخالص ملی می‌شود.^۲

رام^۳ (۱۹۸۶) در مقاله‌ای با ارائه یک چارچوب تئوریک قوی و در عین نسبتاً ساده‌ای به بررسی رابطه اندازه دولت و رشد اقتصادی پرداخته است. نتایج مطالعه وی نشان داد: ۱- اثر کلی مخارج دولت بر رشد اقتصادی تقریباً در کلیه موارد مثبت بوده است. (به جزء چند کشور)؛ ۲- اثر خارجی اندازه دولت عموماً مثبت بوده است. ۳- بهره‌وری عوامل در بخش دولتی حداقل در دهه‌ی ۱۹۶۰ از بخش غیردولتی بیشتر بوده است. همچنین رام (۱۹۸۷) با تقسیم‌بندی کشورها سعی در آزمون قانون واگنر برای ۱۱۵ کشور داشت. فرضیه واگنر در ۶۰ درصد کشورهای مورد بررسی تأیید شد و در بقیه موارد این فرضیه رد می‌گردد. دیاموند^۴ (۱۹۸۹، ۱۹۹۰) با استفاده از داده‌های مربوط به ۴۲ کشور در حال توسعه (شامل ایران) برای متوسط دوره (۸۵-۱۹۸۰) به این نتیجه رسید که مخارج کل دولت بر رشد اقتصادی مؤثر نیست، اما در مورد مخارج سرمایه‌ای مصداق ندارد. همچنین نتیجه می‌گیرد که در کشورهای توسعه‌یافته رابطه مخارج دولتی با رشد اقتصادی غالباً منفی بوده است. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه نتایج متفاوت بوده است.

۱- دادگر و نظری، ۱۳۸۷.

۲- پورمقیم، ۱۳۷۸ و دادگر، ۱۳۸۶.

3- Ram

4- Diamond

بایرام^۱ (۱۹۹۰) با ارائه یک چارچوب تئوریک متفاوت و با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۹۸۵-۱۹۶۰ برای ۲۰ کشور آفریقایی، تأثیر اندازه‌ی دولت را بر رشد اقتصادی آزمون کرد. نتایج معادلات تخمین زده شده توسط بایرام نشان داد که در ۱۱ کشور آفریقایی، افزایش مخارج دولت اثر معکوسی بر رشد اقتصادی داشته اما در ۹ کشور دیگر حتی رشد اقتصادی را شتاب می‌بخشد. لذا اثر مخارج دولت روی رشد اقتصادی از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده نمی‌توان آنها را تعمیم داد. کاراس^۲ (۱۹۹۳) با استفاده از یافته بارو برای ۳۷ کشور به بررسی دو موضوع می‌پردازد: اول آزمون اثر تغییرات موقتی و دائمی در مخارج عمومی و دوم ارتباط بین مخارج بخش عمومی، رشد اقتصادی و اندازه دولت است. یافته‌های تجربی وی حکایت دارد که عموماً تغییرات دائمی در مخارج دولت اثر بزرگ‌تری نسبت به تغییرات موقتی به همان اندازه، روی تولید و اشتغال دارد. همچنین یک ارتباط منفی بین اثرات تولیدی مخارج دولت و اندازه دولت، را نشان داد. او همچنین در مقاله‌ای (۱۹۹۶) با استفاده از قانون بارو (۱۹۹۰) به بررسی اندازه‌ی بهینه مخارج دولت و بهره‌وری در ۱۱۸ کشور جهان برای دوره‌ی ۱۹۸۵-۱۹۶۰ می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که: ۱- اندازه دولت در قاره آسیا کمتر از حد مطلوب، در قاره آفریقا بیش از حد مطلوب و در اروپا به طور مطلوب وجود دارد. ۲- اندازه بهینه دولت به طور متوسط ۲۳ درصد است. ولی دامنه آن از ۱۴ درصد در کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه تا ۳۳ درصد در آمریکای شمالی تغییر می‌کند. کاراس در سال ۱۹۹۷ نیز به بررسی نقش مخارج دولت در فرایند تولید و اندازه بهینه مخارج دولت در ۲۰ کشور اروپایی در دوره ۱۹۹۰-۱۹۵۰ پرداخت. او به این نتیجه رسید که بین بهره‌وری مخارج دولت و اندازه آن رابطه منفی وجود دارد. همچنین اندازه دولت در کشورهای مورد مطالعه بهینه نیست.

موری^۳ (۱۹۹۳) در مقاله‌ای میزان تأثیر افزایش و کاهش قیمت نفت خام بر روی متغیرهای کلان اقتصادی آمریکا را مبتنی بر روش علیت گرنجری و داده‌های فصلی ۱۹۹۰-۱۹۵۲ مورد مطالعه قرار می‌دهد. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که تمام متغیرهای کلان بجز مخارج دولتی شدیداً تحت تأثیر تغییرات قیمت نفت قرار گرفته‌اند. یاواس^۴ (۱۹۹۸) معتقد است که در کشور توسعه‌یافته چون مخارج دولتی روی زیرساخت‌های اقتصادی انجام می‌گیرد و این نوع مخارج باعث تحریک تولید بخش خصوصی می‌شود لذا اثر مثبت دارد. اما در کشور توسعه‌یافته چون این فرایند طی شده (اغلب زیرساخت‌ها آماده‌اند)، این مخارج برای خدمات هزینه شده لذا باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شوند. گوارتنی^۵ و همکاران (۱۹۹۸) در بررسی رابطه بین مخارج دولتی و رشد اقتصادی برای دوره‌ی (۱۹۶۰-۹۶) نتیجه می‌گیرند که بزرگی بیش از حد معمول دولت باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. همچنین وقتی اندازه دولت کوچک می‌شود، نرخ رشد

1- Bairam
2- Karras
3- Mory
4- Yavas
5- Gwartney

اقتصادی افزایش می‌یابد. هیتگیر^۱ (۲۰۰۱) نشان داد که افزایش اندازه دولت باعث افزایش مصرف و در نهایت رشد اقتصادی خواهد شد. یاسین^۲ (۲۰۰۱) در بررسی ارتباط بین مخارج دولت و رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های پانل برای کشورهای آفریقایی در دوره‌ی زمانی ۱۹۸۷-۱۹۹۷ به این نتیجه رسید که مخارج دولت اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد.

التونی^۳ (۲۰۰۲) به بررسی چگونگی واکنش متغیرهای کلان اقتصادی در اثر نوسانات قیمت‌های جهانی نفت با استفاده از داده‌های فصلی ۱۹۸۴-۱۹۹۸ پرداخته است. نتایج مطالعه وی حاکی است که مخارج دولت به عنوان اصلی‌ترین تعیین‌کننده سطح فعالیت‌های اقتصادی است. ولدخانی و میچل^۴ (۲۰۰۲) در بررسی افزایش قیمت نفت بر سطوح قیمت و توزیع درآمد برای اقتصاد استرالیا به این نتیجه رسیدند که افزایش قیمت نفت اثر مشخصی بر درآمد حقیقی ندارد. مک دونالد و وان اسپور^۵ نشان داد که اثر افزایش قیمت نفت باعث رشد درآمدها در آفریقای جنوبی می‌شود. که البته این اثر در خانوارهای روستایی (۰/۷۶ درصد) کمتر از خانوارهای شهری (۰/۸۳ درصد) است. یاک^۶ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای برای اقتصاد انگلستان به این نتیجه رسید که مخارج دولت اثری منفی بر رشد اقتصادی دارد. فولستر و هندرسون^۷ (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی منفی است. گاریت و رهین^۸ (۲۰۰۶) در بررسی تحلیلی خود نقش دولت در به عنوان تأمین‌کننده کالاها و کاهش‌دهنده پیامدهای خارجی، به عنوان توزیع‌کننده مجدد درآمد و ثروت را عامل رشد دولت می‌داند. همچنین گروه‌های ذی‌نفع، بوروکراسی، توهم مالی و انحصارات دولت را از دیگر عوامل رشد دولت می‌داند.

گیررو و پارکر^۹ (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای برای اقتصاد آمریکا نشان دادند که بزرگی اندازه دولت بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد. شهباز^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای برای اقتصاد پاکستان به این نتیجه رسیدند که آزادی تجارت و رشد اقتصادی بر اندازه دولت اثر مثبت و معنی‌دار دارد. صفدری^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های ۲۰۰۸-۱۹۷۵ برای اقتصاد ایران به این نتیجه رسیدند که نرخ رشد جمعیت، اندازه دولت، بار تکفل سنین جوان و پیر اثر منفی و سرمایه‌گذاری اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. در ایران مطالعات مختلفی صورت گرفته که به برخی از آنها اشاره می‌شود: سامتی (۱۳۷۲) نشان داد

1- Heitger

2- Yasin

3- Eltony

4- Valadkhani and Mitchell

5- McDonald and van Schoor

6- Yak

7-Folster and Henrekson

8- Garrett and Rhine

9- Guerrero and Parker

10- Shahbaz

11- Safdari

که رابطه درآمدهای نفتی و بودجه دولت مثبت و معنی‌دار است. صنایع‌دانش (۱۳۷۴) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسید که دولت در حال بزرگ شدن است و عامل تعیین‌کننده روند افزایش فعالیت دولت را در اقتصاد درآمد نفت و جمعیت را شناسایی می‌کند. عمید (۱۳۷۶) به بررسی اثر دولت و فعالیت‌های مختلف آن شامل روش‌های تأمین درآمد دولت و نحوه هزینه کردن آنها بر رشد اقتصادی پرداخت. نتایج مطالعه وی نشان داد که درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی اثری مثبت دارد. صمدی‌امین‌آبادی (۱۳۷۸) به بررسی اثرات تکانه‌های نفتی بر روی متغیرهای کلان با استفاده از یک الگوی اقتصاد کلان پرداخت. نتایج مطالعه وی حاکی است که زمانی دولت با افزایش درآمدهای نفتی روبروست صرف‌نظر از نوع سیاست‌های ارزی اعمال شده هر چه کشش مخارج عمرانی دولت نسبت به مخارج کل دولت باشد شاخص‌های مهم اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری بهبود نسبی یافته‌اند و بالعکس در زمانی که دولت با کاهش درآمدهای نفتی مواجه می‌شود و مخارج کل دولت کاهش می‌یابد هر چه کشش مخارج عمرانی دولت نسبت به مخارج کل دولت کمتر باشد شاخص‌های فوق روند بهتری را طی می‌کنند. قدیری (۱۳۷۹) در بررسی عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی در ایران به این نتیجه رسید که سیاست‌های مالی و درآمدهای ارزی نفت مشوق رشد اقتصادی بوده در حالی که سیاست‌های پولی دارای آثار منفی بر رشد اقتصادی است. فرهنگی و شیرکوند (۱۳۸۰) به بررسی اثر درآمدهای نفتی بر فرآیند مدیریت اقتصادی کشور پرداختند. نتایج مطالعه آنها حاکی است که وجود درآمدهای نفتی موجب پیامدهای منفی در اقتصاد ایران و ناکارآمدی فرآیند مدیریت اقتصادی کشور شده است. ارسلائی (۱۳۸۰) در مطالعه‌ای برای دوره ۱۳۷۹-۱۳۴۹ به بررسی نقش و اهمیت قیمت نفت و درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران و ارتباط آن با متغیرهای اقتصاد کلان پرداخته است. نتایج مطالعه‌ی وی نشان داد که زمانی قیمت نفت افزایش می‌یابد درآمدهای ارزی ناشی از نفت و به تبع آن کل دریافتی‌های ارزی و همچنین بودجه عمومی دولت افزایش می‌یابد. محنت‌فر (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل موثر بر افزایش هزینه‌های جاری دولت در طی سال‌های (۱۳۸۰-۱۳۳۸) پرداخت. وی در برآورد الگوهای مختلف به این نتیجه رسید که درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفتی بر افزایش مخارج دولت اثر مثبت و معنی‌دار دارد. مهرآرا و نیکی‌اسکویی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای به بررسی اثرات پویای تکانه‌های نفتی بر روی متغیرهای اقتصادی با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) پرداختند. نتایج حاصل از برآورد مدل برای ایران و سه کشور صادرکننده نفت (اندونزی- کویت و عربستان سعودی) که شرایط مشابهی دارند را مورد مقایسه قرار دادند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که درجه برون‌زایی قیمت نفت در عربستان سعودی و کویت نسبت به ایران و اندونزی پایین‌تر است. همچنین تکانه‌های قیمت نفت مهم‌ترین منبع نوسانات تولید ناخالص داخلی و واردات در عربستان و ایران است. همچنین وابستگی و آسیب‌پذیری اقتصاد نسبت به درآمدهای نفتی به ترتیب در عربستان و ایران بیشتر از دو کشور دیگر می‌باشد. رنانی و همکاران (۱۳۸۵) در بررسی رابطه‌ی تمرکز زدایی مالی و اندازه دولت در ایران برای دوره‌ی ۱۳۶۸۲-۱۳۶۸ به این نتیجه رسیدند که اولاً رابطه‌ی تمرکز زدایی مالی مخارج با اندازه دولت جمعی و ملی منفی است ولی با اندازه دولت استانی مثبت است. ثانیاً نتایج برآورد پارامترهای متغیرهای کنترل نشان

داد که طی دوره مورد بررسی اثر مستقیم درآمدهای نفت و گاز بر اندازه دولت ناچیز است. دادگر و نظری (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی در ایران برای دوره‌ی ۱۳۸۴-۱۳۴۲ با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری پرداختند. در این مطالعه با تأکید بر این است که بخش مهمی از درآمدهای مالیاتی در ایران به طور مستقیم و غیرمستقیم وابسته به درآمد نفت است. این امر، درآمدهای مالیاتی را در مقابل نوسانات بازار جهانی نفت به شدت آسیب‌پذیر کرده است. همچنین رشد درآمد دولت از نفت، در عمل زمینه تقویت مالیات‌ستانی را کاهش داده است. یکی از یافته‌های مهم مطالعه حاکی است که گسترش درآمدهای نفتی با کارآمدی سیستم مالیاتی کشور (حداقل در بلندمدت)، رابطه معکوس داشته است. همچنین دادگر و نظری (۱۳۸۷) در مطالعه‌ی دیگر به بررسی اندازه بهینه دولت در کشورهای منتخب اسلامی پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که اندازه دولت برای برخی کشورهای اسلامی کمتر از حد بهینه و برای برخی دیگر بیشتر از حد بهینه است. (از جمله ایران) و تنها در تعداد بسیار اندکی از کشورهای اسلامی اندازه دولت بهینه است. کمیجانی و نظری (۱۳۸۸) با استفاده از مدل ارکین بایرام (۱۹۹۰) و با استفاده از داده‌های سری زمانی دوره ۱۳۸۴-۱۳۵۳ به تبیین تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است.

۶. ارائه مدل و روش تحقیق

برای نشان دادن اثر درآمدهای نفتی بر مخارج دولت از سه الگوی زیر استفاده می‌شود:

۱	$LG_t = f(LT_t, LOIL_t)$
۲	$LGC_t = f(LT_t, LOIL_t)$
۳	$LGI_t = f(LT_t, LOIL_t)$

LG لگاریتم مخارج کل دولت، LGC لگاریتم مخارج مصرفی دولت، LGI لگاریتم مخارج عمرانی دولت، LOIL لگاریتم درآمدهای نفتی، LT لگاریتم درآمدهای مالیاتی، \mathcal{E} جمله اخلاص. در تخمین این مدل به نکات زیر توجه می‌شود:

۱- داده‌ها سری زمانی و برای دوره‌ی ۱۳۹۰-۱۳۵۳ است. ۲- درآمدهای نفتی شامل درآمد نفت و گاز که در بودجه عمومی دولت آمده و این متغیر به قیمت جاری وارد مدل می‌شود؛ ۳- درآمدهای مالیاتی یکی دیگر از اجزای بودجه عمومی دولت که این متغیر نیز بر اساس قیمت جاری در مدل قرار گرفته است. همچنین متغیرهای مخارج کل، مخارج جاری و مخارج عمرانی دولت نیز به قیمت جاری در مدل وارد شده است.

۱-۶. روش تحقیق

با توجه به این که روش‌هایی هم‌چون انگل-گرنجر در مطالعاتی که با نمونه‌های کوچک (تعداد مشاهدات کم) سروکار دارند، به دلیل در نظر نگرفتن واکنش‌های پویای کوتاه‌مدت موجود بین متغیرها، اعتبار لازم را ندارند، چرا که برآوردهای حاصل از آنها بدون تورش نبوده و در نتیجه، انجام آزمون فرضیه با استفاده از آمارهای آزمون معمول بی‌اعتبار خواهد بود^۱. به همین دلیل استفاده از الگوهای که پویایی‌های کوتاه‌مدت را در خود داشته باشند و منجر به برآورد ضرایب دقیق‌تری از الگو شوند، مورد توجه قرار می‌گیرند. یکی از این الگوها، الگوی خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی^۲ (ARDL) است.

۷. برازش مدل‌ها و تفسیر نتایج

۱-۷. بررسی مانایی متغیرها

مانا^۳ بودن یک سری زمانی از اهمیت زیادی در تجزیه و تحلیل‌های آماری و اقتصادسنجی برخوردار است. در یک مدل اقتصادسنجی، جمله اخلاص معادله‌ی رگرسیون همواره مانا فرض می‌شود.^۴ لذا برای تخمین یک الگوی ARDL لازم است که ابتدا مانایی متغیرها مورد آزمون قرار گیرد. برای اطمینان از مانایی و یا نامانایی متغیرهای سری‌زمانی مورد استفاده در مدل از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته^۵ استفاده شده است.

جدول (۱): نتایج آزمون مانایی دیکی- فولر تعمیم یافته برای متغیرهای مدل

آماره ADF	مقادیر بحرانی در سطوح			با روند	با عرض از مبدأ	متغیر
	۱۰ درصد	۵ درصد	۱ درصد			
-۴/۲۴	-۲/۶۱	-۲/۹۵	-۳/۶۳	-	+	DLG
-۳/۶۰	-۲/۶۱	-۲/۹۵	-۳/۶۳	-	+	DLGC
-۴/۴۱	-۱/۶۱	-۱/۹۵	-۲/۶۳	-	-	DLGI
-۶/۲۴	-۳/۲۰	-۳/۵۴	-۴/۲۳	+	+	DLOIL
-۴/۷۲	-۲/۶۱	-۲/۹۵	-۳/۶۳	-	+	DLT

۱- نوفرستی، ۱۳۷۸: ۹۲.

2- Auto Regressive Distributed Lag (ARDL).

3- Stationarity

۴- ابریشمی و مهرآرا، ۱۳۸۱: ۸۳.

5- Augmented Dicky-Fuller (ADF)

در بررسی بدست آمده برای متغیرهای مورد مطالعه در سطح مشخص شد که قدر مطلق آماره دیکی فولر تعمیم یافته از مقادیر بحرانی برای کلیه متغیرها کوچک تر است لذا نتیجه گیری می شود که فرضیه H_0 مبنی بر وجود ریشه واحد متغیرهای مزبور در سطح بالایی از درجه اطمینان مورد تأیید قرار می گیرد. سپس برای تشخیص درجه هم انباشتگی متغیرهای مورد نظر، آزمون دیکی فولر تعمیم یافته برای تفاضل مرتبه اول متغیرها تکرار شد. نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته که در جدول (۱) برای تفاضل مرتبه اول این متغیرها نشان می دهد که کلیه متغیرهای مدل با یکبار تفاضل گیری مانا شدند، به عبارتی تمام متغیرها از درجه مانایی واحد $I(1)$ برخوردارند. ولی ترکیب خطی آنها یعنی $U_t = I(0)$ است. لذا رگرسیون جعلی وجود ندارد. همان طور که از جدول (۱) پیداست مقدار کمیت آماره محاسبه شده ADF برای تمامی متغیرها در تفاضل اول از مقادیر بحرانی $0/05$ بیشتر است.

۲-۷. تخمین ضرایب کوتاه مدت و بلندمدت و آزمون ثبات ضرایب مدلها

برای تحلیل تجربی بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر مخارج دولت از روش ARDL، استفاده می شود. در این روش برای بررسی رابطه ی بلندمدت بین متغیرها هیچ پیش شرطی در مورد درجه ی انباشتگی متغیرها وجود ندارد. همچنین می توان تحلیل های اقتصادی را در دو دوره ی کوتاه مدت و بلندمدت انجام داد. مدل بهینه ی تخمین در دوره ی زمانی ۱۳۵۳-۱۳۹۰ با استفاده از نرم افزار Microfit4 براساس آزمون شوارز-بیزین به صورت ARDL برای هر کدام از روابط (۱)، (۲) و (۳) به دست آمد.

تجزیه و تحلیل از روش ARDL مبتنی بر تفسیر سه معادله پویا^۱، بلندمدت^۲، تصحیح خطا^۳ است. نتایج حاصل از تخمین معادله ی پویا (معادله ای که در آن متغیر وابسته به شکل باوقفه سمت راست معادله ظاهر می شود) برای رابطه (۱) که مدل مخارج کل دولت در ایران است در جدول (۲) خلاصه شده است.

جدول (۲) : نتایج برآورد مدل مخارج کل دولت با استفاده از الگوی ARDL

متغیر توضیحی				متغیر وابسته
C	LT	LOIL	LG(-1)	LG
۰/۶۳	۰/۲۴	۰/۲۳	۰/۵۳	ضرایب متغیرها
۳/۹۷	۳/۶۹	۶/۹۳	۶/۷۲	آماره t
$F = 6635.2$; $D.W = 1.73$; $R^2 = 0.99$				

1- Dynamic

2- Long-run

3- Error-correction

مطابق جدول (۲)، در کوتاه‌مدت مخارج کل دولت با یک وقفه، با ضریب مثبت ۰/۵۳ بر سطح همان متغیر تأثیر می‌گذارد. همچنین ضریب متغیر درآمدهای نفتی در سطح ۹۵ درصد مثبت و معنی‌دار و برابر ۰/۲۳ درصد است. بدین معنی یک واحد افزایش در درآمدهای نفتی باعث می‌شود که ۰/۲۳ درصد میزان مخارج کل دولت را افزایش یابد. همچنین اثر درآمدهای مالیاتی بر مخارج کل دولت مثبت و معنی‌دار است. همان‌طور که از جدول (۲) پیداست تمامی ضرایب مدل مخارج کل دولت با احتمال بیش از ۹۵ درصد معنی‌دار هستند و ضریب تعیین ۹۹ درصدی نشان‌دهنده‌ی قدرت توضیح‌دهندگی نسبتاً بالای مدل است. بعلاوه آماره F مربوط به آزمون کلیت رگرسیون برابر با ۶۶۳۵/۲ است که با احتمال خطای کمتر از ۵ درصد (prob=0.000) بر صحیح بودن کل رگرسیون دلالت دارد.

قبل از برآورد ضرایب بلندمدت و الگوی تصحیح خطا، برای اطمینان از صحت اعتبار مدل مخارج کل دولت، آزمون‌های تشخیصی^۱ لازم (شامل آزمون‌های عدم خودهمبستگی، تصریح فرم تبعی مدل، نرمال-بودن پسماندها و واریانس ناهمسانی) در جدول (۳) گزارش شده که مطابق آمارهای F و LM و در سطح معنی‌داری ۵ درصد، الگوی برآورد شده، مشکلات خودهمبستگی جملات خطا و ناهمسانی واریانس را نداشته و فرم تصریحی، درست و جملات خطا به طور نرمال توزیع شده‌اند. به عبارتی مدل مخارج کل دولت همه‌ی شرایط کلاسیک را دارد.

جدول (۳): نتایج آزمون‌های تشخیصی برای مدل مخارج کل دولت

آزمون	آماره	
	F	LM
SC: عدم وجود خودهمبستگی	۰/۶۵۲۲۵ [۰/۴۲۵]	۰/۷۳۹۱۰ [۰/۳۹۰]
FF: تصریح فرم تبعی مدل	۰/۶۷۰۹۹ [۰/۳۶۵]	۰/۷۵۹۹۰ [۰/۳۸۳]
N: نرمال بودن جملات پسماند	قابل کاربرد نیست.	۰/۷۶۱۸۸ [۰/۶۸۳]
H: ناهمسانی واریانس	۰/۳۳۱۴۶ [۰/۸۵۷]	۰/۳۵۰۰۷ [۰/۸۵۲]

پس از تخمین معادله پویا باید با انجام آزمونی از وجود رابطه بلندمدت اطمینان حاصل کرد. نتایج مربوط به ضرایب بلندمدت، زمانی قابل استناد است که کمیت آماره از مقدار بحرانی آن بیشتر باشد. با توجه جدول (۲) داریم:

$$\frac{\sum_{i=1}^P \hat{\varphi}_i - 1}{\sum_{i=1}^P S \hat{\varphi}_i} = \frac{0.53 - 1}{0.078} = -6.03$$

در اینجا قدرمطلق t محاسباتی از قدرمطلق بحرانی جدول بنرجی، دولادو و مستر که به ازای تعداد ۵۰ مشاهده، وجود عرض از مبدا و تعداد ۲ متغیر توضیحی (غیر از متغیر وابسته تأخیری) در سطح ۵ درصد برابر ۳/۵۷- می‌باشد، بزرگ‌تر است. بنابراین، وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها پذیرفته می‌شود.

جدول (۴): نتایج برآورد ضریب بلندمدت مدل مخارج کل دولت با استفاده از الگوی ARDL

متغیر توضیحی			متغیر وابسته
C	LT	LOIL	LG
۱/۳۳	۰/۵۱	۰/۴۸	ضرایب متغیرها
۷/۶۹	۷/۱۶	۵/۸۰	آماره t

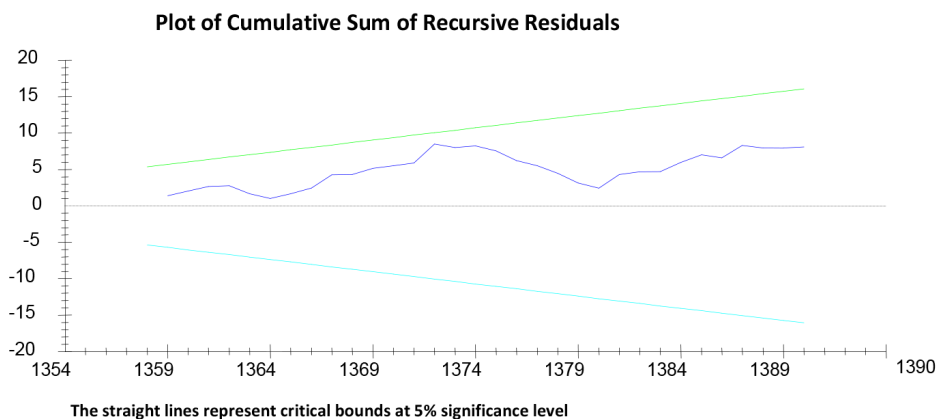
پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت می‌توان روابط بلندمدت را تفسیر نمود. بر اساس روابط برآورد شده، در بلندمدت درآمدهای نفتی بر مخارج کل دولت اثر مثبت و معنی‌دار دارد. که ضریب فوق در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار گرفت. مثبت بودن ضریب درآمدهای نفتی مطابق انتظار و موافق با شرایط اقتصاد ایران بوده است. به عبارتی یک واحد افزایش درآمدهای نفتی میزان مخارج کل دولت را کمتر از یک واحد یعنی ۰/۴۸ افزایش می‌دهد. همچنین اثر درآمدهای مالیاتی بر مخارج دولت مثبت و معنی‌دار است. پس از برآورد رابطه تعادلی بلندمدت، می‌توان آن را در کوتاه‌مدت نیز برآورد نمود؛ بدین منظور از الگوی تصحیح خطا (ECM) که عدم تعادل‌های کوتاه‌مدت را به مقادیر تعادلی بلندمدت ارتباط می‌دهد، استفاده می‌کنیم، ضریب جمله تصحیح خطا، سرعت تعدیل به سمت تعادل بلندمدت را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطای مربوط به الگوی تعادلی بلندمدت در روش خود بازگشتی با وقفه‌های توزیعی بر اساس مدل مخارج کل دولت در جدول (۵) ارائه گردیده است:

جدول (۵): نتایج برآورد ضرایب کوتاه مدت مدل مخارج کل دولت با استفاده از الگوی تصحیح خطا (ECM)

متغیر توضیحی				متغیر وابسته
ECM(۱-)	DC	DLT	DLOIL	LG
-۰/۴۷	۰/۶۳	۰/۲۴	۰/۲۳	ضرایب متغیرها
-۶/۰۰۴	۳/۹۷	۳/۶۹	۶/۹۳	آماره t

با توجه به نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطا برای مدل مخارج کل دولت ضریب کوتاه‌مدت درآمدهای نفتی مثبت و معنی‌دار است که مطابق تئوری و مورد انتظار است. ضریب تصحیح خطای مدل مخارج کل دولت $0/47$ - در سطح معنی 5% مورد تأیید قرار گرفت که بیانگر ساز و کارهای تعدیل در حرکت به سمت مدل مخارج کل دولت در جهت تعادل بلندمدت است. یعنی در هر دوره 47 درصد از عدم تعادل در میزان مخارج کل دولت تعدیل شده و به سمت بلندمدت نزدیک می‌شود. به این ترتیب، تأثیر نوسانات و عدم تعادل‌های ایجاد شده در مخارج کل دولت، پس از گذشت 2 سال از زمان وقوع از بین می‌رود. به منظور بررسی ثبات ضرایب الگو از آزمون‌های ثبات ساختاری CUSUM و CUSUMSQ که در ادبیات اقتصادسنجی دارای قدمت طولانی هستند، استفاده شده است. این آزمون ابتدا توسط براون، دوربین و اوانس^۱ پیشنهاد گردید؛ اما پسران و پسران در سال 1997 بکارگیری آزمون‌های فوق را برای تعیین ثبات ضرایب کوتاه‌مدت و بلندمدت در مدل تصحیح خطا پیشنهاد می‌کنند. در آزمون CUSUM و CUSUMSQ فرضیه صفر، ثبات پارامترها را در سطح معنی‌داری 5% مورد آزمون قرار می‌گیرد. فاصله اطمینان در این دو آزمون دو خط مستقیم است که سطح اطمینان 95% را نشان می‌دهند. چنانچه آماره آزمون CUSUM و CUSUMSQ در بین این دو خط قرار گیرند نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر ثبات ضرایب را رد کرد. نمودارهای (۵) و (۶) نتایج آزمون‌های CUSUM و CUSUMSQ را برای مدل مخارج کل دولت نشان می‌دهد. این آماره‌ها در مقابل زمان رسم می‌شوند. همان‌طور که نمودارهای فوق نشان می‌دهند، آماره‌های آزمون‌های فوق در داخل خطوط مستقیم قرار دارند که این خود به معنی ثبات ضرایب در سطح معنی 5% هستند؛ به عبارتی نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر ثبات ضرایب را در سطح اطمینان 95% رد کرد. لذا نتایج

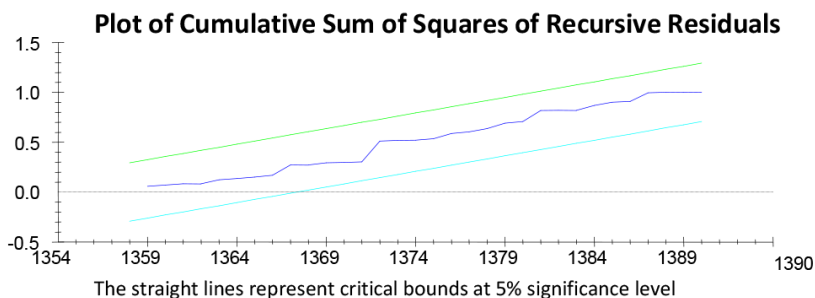
نمودار(۵): آزمون CUSUM برای مدل مخارج کل دولت



1- Brown, Durbin, Evans, (1975).

آزمون‌های ثبات ساختاری CUSUM و CUSUMSQ منعکس‌کننده‌ی ثبات در ضرایب تخمینی در طول دوره‌ی مورد بررسی است.

نمودار(۶): آزمون CUSUM برای مدل مخارج کل دولت



رابطه (۲) که مدل مخارج مصرفی دولت در ایران است را مورد برازش قرار دادیم. مطابق جدول (۶)، در کوتاه‌مدت مخارج مصرفی دولت با یک وقفه، با ضریب مثبت ۰/۶۴ بر سطح همان متغیر تأثیر می‌گذارد. متغیر درآمدهای نفتی مدل در سطح ۹۵ درصد مثبت و معنی‌دار و برابر ۰/۱۶ درصد است. بدین معنی یک واحد افزایش در درآمدهای نفتی باعث می‌شود که ۰/۱۶ درصد میزان مخارج دولت افزایش می‌یابد. هر چند اثر درآمدهای نفتی با یک وقفه بر مخارج کل دولت منفی است اما معنی‌دار نیست. همچنین اثر درآمدهای مالیاتی بر مخارج مصرفی دولت مثبت و معنی‌دار (۰/۲۰ درصد) اما کمتر از میزان درآمدهای نفتی است. همان‌طور که از جدول (۶) پیداست تمامی ضرایب مدل مخارج مصرفی دولت (بجز درآمدهای نفتی با یک وقفه) با احتمال بیش از ۹۵ درصد معنی‌دار هستند و ضریب تعیین ۹۹ درصدی نشان‌دهنده‌ی قدرت توضیح-دهندگی نسبتاً بالای مدل است. بعلاوه آماره F مربوط به آزمون کلیت رگرسیون برابر با ۸۳۷۹/۳ است که با احتمال خطای کمتر از ۵ درصد ($prob=0/000$) بر صحیح بودن کل رگرسیون دلالت دارد.

جدول (۶) : نتایج برآورد مدل مخارج مصرفی دولت با استفاده از الگوی ARDL

متغیر توضیحی				متغیر وابسته
C	LT	LOIL	LGC(۱-)	LGC
۰/۳۶	۰/۲۰	۰/۱۶	۰/۶۴	ضرایب متغیرها
۲/۸۲	۳/۰۴	۵/۷۹	۸/۶۵	آماره t
$F = 8379.3 ; D.W = 1.55 ; R^2 = 0.99$				

آزمون‌های تشخیصی فروض کلاسیک معادلات برآورد شده برای مدل مخارج مصرفی دولت نشان می‌دهد که جمله اختلال به لحاظ خودهمبستگی، فرم تبعی مدل، نرمال بودن پسماندها و واریانس ناهمسانی، همه‌ی شرایط کلاسیک را دارد. مطابق جدول (۷) آمارهای F و LM در سطح معنی‌داری ۵ درصد برای مدل مخارج مصرفی دولت این مطلب را تأیید می‌کند.

جدول (۷): نتایج آزمون‌های تشخیصی برای مدل مخارج مصرفی دولت

آزمون	آماره	
	F	LM
SC: عدم وجود خودهمبستگی	۱/۵۵۵۵ [۰/۲۲۱]	۱/۱۵۲۷ [۰/۱۹۰]
FF: تصریح فرم تبعی مدل	۱/۰۴۲۳ [۰/۳۱۵]	۱/۱۶۷۲ [۰/۲۸۰]
N: نرمال بودن جملات پسماند	قابل کاربرد نیست.	۳/۰۳۶۶ [۰/۲۱۹]
H: ناهمسانی واریانس	۰/۲۶۳۷۰ [۰/۶۱۱]	۰/۲۷۶۶۹ [۰/۵۹۹]

پس از تخمین معادله پویا باید با انجام آزمونی از وجود رابطه بلندمدت اطمینان حاصل کرد. نتایج مربوط به ضرایب بلندمدت، زمانی قابل استناد است که کمیت آماره t از مقدار بحرانی آن بیشتر باشد. با توجه جدول (۶) داریم:

$$\frac{\sum_{i=1}^p \hat{\varphi}_i - 1}{\sum_{i=1}^p S \hat{\varphi}_i} = \frac{0.64 - 1}{0.074} = -4.86$$

در اینجا قدرمطلق t محاسباتی از قدرمطلق بحرانی جدول بنرجی، دولادو و مستر که به ازای تعداد ۵۰ مشاهده، وجود عرض از مبدا و تعداد ۲ متغیر توضیحی (غیر از متغیر وابسته تأخیری) در سطح ۱۰ درصد برابر ۳/۲۴- می‌باشد، بزرگ‌تر است. بنابراین، وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها پذیرفته می‌شود.

جدول (۸): نتایج برآورد ضریب بلندمدت مدل مخارج مصرفی دولت با استفاده از الگوی ARDL

متغیر توضیحی			متغیر وابسته
C	LT	LOIL	LGC
۰/۹۹	۰/۵۶	۰/۴۶	ضرایب متغیرها
۴/۸۱	۶/۳۱	۴/۳۵	آماره t

بر اساس روابط برآورد شده، در بلندمدت درآمدهای نفتی بر مخارج مصرفی دولت اثر مثبت و معنی‌دار دارد. که ضریب فوق در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار گرفت. مثبت بودن ضریب درآمدهای نفتی مطابق انتظار و موافق تئوری بوده است. به عبارتی یک واحد افزایش درآمدهای نفتی میزان مخارج مصرفی دولت را کمتر از یک واحد یعنی ۰/۴۶ افزایش می‌دهد. همچنین اثر درآمدهای مالیاتی بر مخارج مصرفی دولت مثبت و معنی‌دار است. پس از برآورد رابطه تعادلی بلندمدت، می‌توان آن را در کوتاه‌مدت نیز برآورد نمود؛ نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطای مربوط به الگوی تعادلی بلندمدت در روش خود بازگشتی با وقفه‌های توزیعی بر اساس مدل مخارج مصرفی در جدول (۹) ارائه گردیده است.

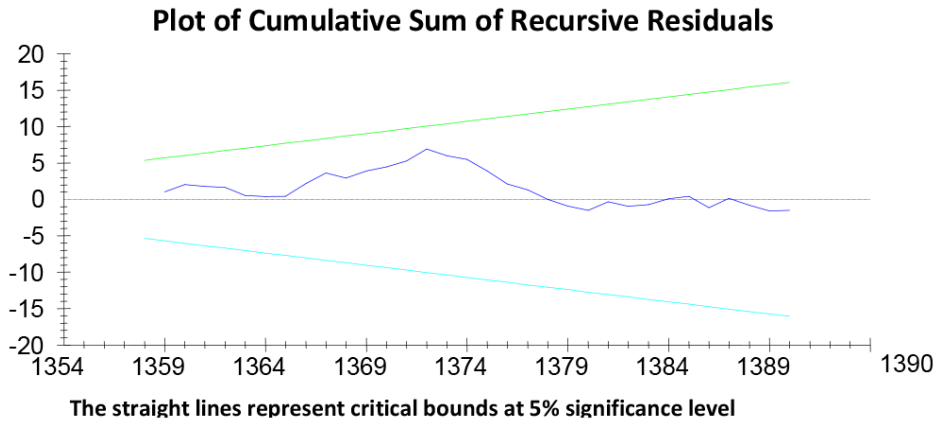
جدول (۹): نتایج برآورد ضرایب کوتاه‌مدت مدل مخارج مصرفی دولت با استفاده از الگوی تصحیح خطا (ECM)

متغیر توضیحی				متغیر وابسته
ECM(۱-)	DC	DLT	DLOIL	LGC
-۰/۳۶	۰/۳۶	۰/۲۰	۰/۱۶	ضرایب متغیرها
-۴/۸۳	۲/۸۲	۳/۰۴	۵/۷۹	آماره t

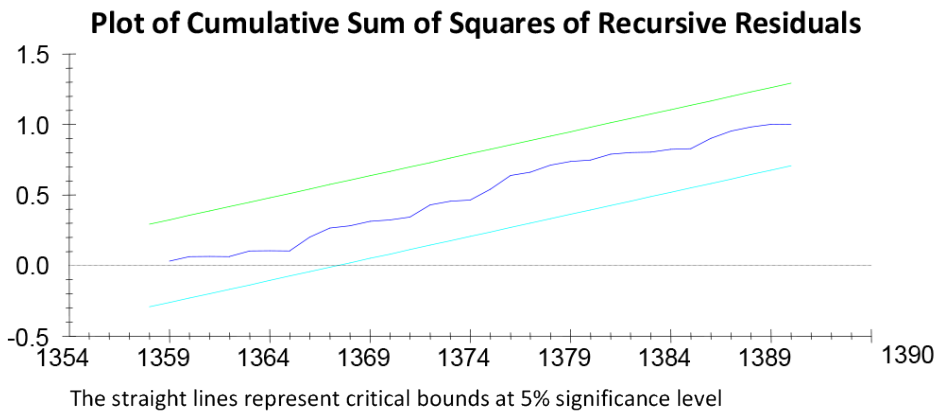
با توجه به نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطا برای مدل مخارج مصرفی دولت ضریب کوتاه‌مدت درآمدهای نفتی مثبت و معنی‌دار است که مطابق تئوری و مورد انتظار است. ضریب تصحیح خطای مدل مخارج مصرفی دولت برابر ۰/۳۶- و در سطح معنی ۵٪ مورد تأیید قرار گرفت. این ضریب نشان می‌دهد که ۳۶ درصد از عدم تعادل یک دوره مخارج مصرفی دولت در اقتصاد ایران، در دوره بعد تعدیل می‌شود. بنابراین بروز یک تکانه مرتبط با مخارج مصرفی دولت بعد از تقریباً سه سال اثر خود را بر مخارج مصرفی در اقتصاد ایران حفظ می‌کند. به این ترتیب، تأثیر نوسانات و عدم تعادل‌های ایجاد شده در مخارج مصرفی دولت پس از گذشت سه سال از زمان وقوع از بین می‌رود.

نمودارهای (۷) و (۸) نتایج آزمون‌های CUSUM و CUSUMSQ را برای مدل مخارج مصرفی دولت نشان می‌دهد. همان‌طور که نمودارهای فوق نشان می‌دهند، آماره‌های آزمون‌های فوق در داخل خطوط

نمودار (۷): آزمون CUSUM برای مدل مخارج مصرفی دولت



نمودار (۸): آزمون CUSUMSQ برای مدل مخارج مصرفی دولت



مستقیم قرار دارند که این خود به معنی ثبات ضرایب در سطح معنی ۵٪ هستند؛ به عبارتی نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر ثبات ضرایب را در سطح اطمینان ۹۵٪ رد کرد. لذا نتایج آزمون‌های ثبات ساختاری CUSUM و CUSUMSQ منعکس‌کننده‌ی ثبات در ضرایب تخمینی در طول دوره‌ی مورد بررسی است. رابطه (۳) که مدل مخارج عمرانی دولت در ایران است را مورد برازش قرار دادیم که نتایج نشان می‌دهد متغیر مخارج عمرانی دولت با یک وقفه، با ضریب مثبت ۰/۳۵ بر سطح همان متغیر تأثیر می‌گذارد. درآمدهای نفتی مدل در سطح ۹۵ درصد مثبت و معنی‌دار است. بدین معنی یک واحد افزایش در لگاریتم درآمدهای نفتی باعث می‌شود که ۰/۴۲ درصد میزان مخارج دولت افزایش می‌یابد. همچنین اثر درآمدهای

مالیاتی بر مخارج عمرانی دولت مثبت و معنی‌دار (۰/۲۲ درصد) اما کمتر از میزان درآمدهای نفتی است. همان‌طور که از جدول (۱۰) پیداست تمامی ضرایب مدل مخارج عمرانی دولت (بجز عرض از مبدأ) با احتمال بیش از ۹۵ درصد معنی‌دار هستند و ضریب تعیین ۹۹ درصدی نشان‌دهنده‌ی قدرت توضیح‌دهندگی نسبتاً بالای مدل است. بعلاوه آماره F مربوط به آزمون کلیت رگرسیون برابر با ۱۹۸۰/۸ است که با احتمال خطای کمتر از ۵ درصد ($prob=۰/۰۰۰$) بر صحیح بودن کل رگرسیون دلالت دارد.

جدول (۱۰): نتایج برآورد مدل مخارج عمرانی دولت با استفاده از الگوی ARDL

متغیر وابسته				متغیر توضیحی
LGI				C
ضرایب متغیرها				۰/۳۵
آماره t				۰/۴۲
				۰/۶۱
				۲/۸۳
				۶/۶۵
				۳/۵۴
				۰/۴۳

$$F = 1980.8 ; D.W = 1.84 ; R^2 = 0.99$$

آزمون‌های تشخیص فرض کلاسیک معادلات برآورد شده برای مدل مخارج مصرفی دولت نشان می‌دهد که جمله اختلال به لحاظ خودهمبستگی، فرم تبعی مدل، نرمال بودن پسماندها و واریانس ناهمسانی، همه‌ی شرایط کلاسیک را دارد. مطابق جدول (۱۱) آماره‌های F و LM در سطح معنی‌داری ۵ درصد برای مدل مخارج عمرانی دولت این مطلب را تأیید می‌کند.

جدول (۱۱): نتایج آزمون‌های تشخیصی برای مدل مخارج عمرانی دولت

آزمون	آماره	
	F	LM
SC: عدم وجود خودهمبستگی	۰/۱۶۸۸۲ [۰/۶۸۴]	۰/۱۹۶۱۸ [۰/۶۵۹]
FF: تصریح فرم تبعی مدل	۵/۴۳۰۱ [۰/۰۲۰]	۵/۵۰۴۱ [۰/۰۲۵]
N: نرمال بودن جملات پسماند	قابل کاربرد نیست.	۳/۴۲۲۳ [۰/۱۸۱]
H: ناهمسانی واریانس	۰/۶۲۰۹۰ [۰/۴۳۶]	۰/۶۴۴۹۴ [۰/۴۲۲]

پس از تخمین معادله پویا باید با انجام آزمونی از وجود رابطه بلندمدت اطمینان حاصل کرد. نتایج مربوط به ضرایب بلندمدت، زمانی قابل استناد است که کمیت آماره t از مقدار بحرانی آن بیشتر باشد. با توجه جدول (۱۰) داریم:

$$\frac{\sum_{i=1}^P \hat{\varphi}_i - 1}{\sum_{i=1}^P S \hat{\varphi}_i} = \frac{0.35 - 1}{0.10} = -6.5$$

در اینجا قدرمطلق t محاسباتی از قدرمطلق بحرانی جدول بنرجی، دولادو و مستر که به ازای تعداد ۵۰ مشاهده، وجود عرض از مبدا و تعداد ۲ متغیر توضیحی (غیر از متغیر وابسته تأخیری) در سطح ۵ درصد برابر ۳/۵۷- می‌باشد، بزرگ‌تر است. بنابراین، وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها پذیرفته می‌شود.

جدول (۱۲): نتایج برآورد ضریب بلندمدت مدل مخارج عمرانی دولت با استفاده از الگوی ARDL

متغیر توضیحی			متغیر وابسته
C	LT	LOIL	LGI
-۰/۰۹	۰/۳۴	۰/۶۵	ضرایب متغیرها
-۰/۴۲	۳/۹۰	۶/۵۷	آماره t

بر اساس روابط برآورد شده، در بلندمدت درآمدهای نفتی بر مخارج عمرانی دولت اثر مثبت و معنی‌دار دارد. که ضریب فوق در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار گرفت. مثبت بودن ضریب درآمدهای نفتی مطابق انتظار و موافق تئوری بوده است. به عبارتی یک واحد افزایش درآمدهای نفتی میزان مخارج عمرانی دولت را کمتر از یک واحد یعنی ۰/۶۵ افزایش می‌دهد. همچنین اثر درآمدهای مالیاتی بر مخارج عمرانی دولت مثبت و معنی‌دار و برابر ۰/۳۴ درصد است.

پس از برآورد رابطه تعادلی بلندمدت، می‌توان آن را در کوتاه‌مدت نیز برآورد نمود؛ نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطای مربوط به الگوی تعادلی بلندمدت در روش خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی بر اساس مدل مخارج عمرانی دولت در جدول (۱۳) ارائه گردیده است:

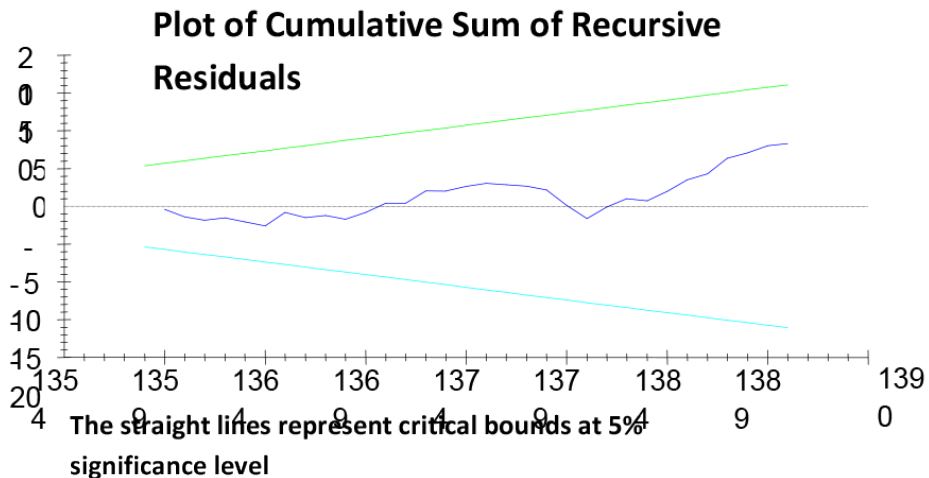
جدول (۱۳): نتایج برآورد ضرایب کوتاه مدت مدل مخارج عمرانی دولت با استفاده از الگوی تصحیح خطا (ECM)

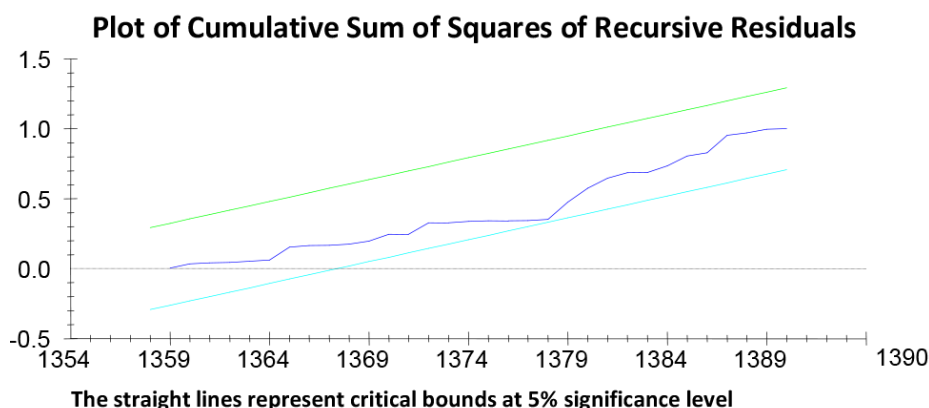
متغیر توضیحی				متغیر وابسته
ECM(-1)	DC	DLT	DLOIL	LGI
-۰/۶۵	-۰/۶۱	۰/۲۲	۰/۴۲	ضرایب متغیرها
-۶/۵۵	-۰/۱۴	۲/۸۳	۶/۶۵	آماره t

با توجه به نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطا برای مدل مخارج عمرانی دولت ضریب کوتاه مدت درآمدهای نفتی مثبت و معنی دار است که مطابق تئوری و مورد انتظار است. ضریب تصحیح خطای مدل مخارج عمرانی دولت برابر $-۰/۶۵$ و در سطح معنی ۵% مورد تأیید قرار گرفت. این ضریب نشان می دهد که ۶۵ درصد از عدم تعادل یک دوره مخارج عمرانی دولت در اقتصاد ایران، در دوره بعد تعدیل می شود. بنابراین بروز یک تکانه مرتبط با مخارج عمرانی دولت بعد از تقریباً یک و نیم سال اثر خود را بر مخارج عمرانی در اقتصاد ایران حفظ می کند. به این ترتیب، تأثیر نوسانات و عدم تعادل های ایجاد شده در مخارج عمرانی دولت پس از گذشت یک و نیم سال از زمان وقوع از بین می رود.

نمودارهای (۹) و (۱۰) نتایج آزمون های CUSUM و CUSUMSQ را برای مدل مخارج عمرانی دولت نشان می دهد. همان طور که نمودارهای فوق نشان می دهند، آماره های آزمون های فوق در داخل خطوط

نمودار (۹): آزمون CUSUM برای مدل مخارج عمرانی دولت





مستقیم قرار دارند که این خود به معنی ثبات ضرایب در سطح معنی ۵٪ هستند؛ به عبارتی نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر ثبات ضرایب را در سطح اطمینان ۹۵٪ رد کرد. لذا نتایج آزمون‌های ثبات ساختاری CUSUM و CUSUMSQ منعکس‌کننده‌ی ثبات در ضرایب تخمینی در طول دوره‌ی مورد بررسی است در مجموع تأثیرپذیری مخارج دولت (کل، جاری و عمرانی) از درآمدهای نفتی، هشدار جدی برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود و لازم است برای این مشکل، به‌گونه‌ای چاره‌اندیشی شود که به تدریج، متغیرهای قابل کنترل و درون‌زای اقتصادی، برای هدایت و کنترل مخارج دولت شود.

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به تأثیر صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی در اقتصاد کشور و تأمین عمده‌ای از درآمدهای عمومی بودجه دولت از این طریق، عملکرد بخش نفت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که نظام مالی کشور با آن روبرو است وابسته بودن درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت است یعنی اینکه افزایش درآمدهای نفتی باعث افزایش درآمدهای مستقیم و غیرمستقیم می‌شود که در نتیجه آن امکان بزرگ شدن حجم دولت فراهم می‌شود. فقدان انضباط بخش دولتی در ایران به عنوان یک قاعده ساختاری‌گویی همواره مزید بر علت می‌باشد. با ارائه یک مدل اقتصادی که شامل متغیرهای مخارج دولت (کل و به تفکیک مصرفی و عمرانی، درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفتی و به کمک الگوی خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) برای دوره‌ی ۱۳۹۰-۱۳۵۳ روابط بین متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از آزمون دیکی و فولر تعمیم‌یافته مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که

تمام متغیرهای پژوهش با یکبار تفاضل‌گیری مانا شدند. نتایج نشان داد که اثر درآمدهای نفتی هم در کوتاه-مدت و هم در بلندمدت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر مخارج دولت (کل، مصرفی و عمرانی) دارد. تخمین مدل تصحیح خطای مخارج کل دولت حاکی از این است که بروز یک تکانه‌ای در ارتباط با مخارج کل دولت در اقتصاد ایران، تا تقریباً ۲ سال بعد اثر خود را بر مخارج کل دولت در اقتصاد ایران نشان می‌دهد و تعادل بلندمدت پس از گذشت ۲ سال از زمان وقوع نوسان ایجاد می‌گردد. همچنین تخمین مدل تصحیح خطای برای دو مدل مخارج مصرفی و مخارج عمرانی دولت حاکی از این است که بروز یک تکانه‌ای در ارتباط با مخارج مصرفی و عمرانی دولت در اقتصاد ایران، به ترتیب تا تقریباً ۳ و ۱/۵ سال بعد اثر خود را بر مخارج کل دولت در اقتصاد ایران نشان می‌دهد و تعادل بلندمدت به ترتیب پس از گذشت ۳ و ۱/۵ سال از زمان وقوع نوسان ایجاد می‌گردد. همچنین در مقاله حاضر از آزمون‌های CUSUM و CUSUMSQ به منظور ثبات ضرایب الگوها استفاده شد که نتایج حاصل از آزمون‌های فوق بیانگر ثبات ضرایب در سطح معنی‌داری ۵٪ است؛ به عبارتی می‌توان پذیرفت که ضرایب تابع مخارج دولت در ایران باثبات است.

به هر حال بایستی بپذیریم که وابستگی درآمدهای عمومی دولت به بازار نفت و نوسانات آن و عدم اطمینان از روند قیمت‌های بازار نفت، یکی از چالش‌هایی است که اقتصاد کشورمان به عنوان یک کشور صادرکننده نفت معمولاً با آن مواجه است. اگر چه با تأسیس حساب ذخیره ارزی در ابتدای برنامه سوم به منظور جلوگیری از تأثیر منفی نوسان شدید قیمت جهانی نفت خام بر اقتصاد و بودجه کشور، مقرر شده بود این مشکل اقتصادی تا حدودی برطرف و یا حداقل تعدیل شود. لیکن وضعیت موجودی حساب ذخیره ارزی و برداشت‌های مکرر، نشانگر این واقعیت است که نوسانات قیمت بازار نفت همچنان می‌تواند تهدیدی بر ثبات اقتصادی ایران به حساب آید. از طرفی یکی از اهداف مهم تنظیم سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، تبدیل کشور به قدرت اول منطقه از لحاظ اقتصادی، فنی و علمی برشمرده شده است. یکی از مواردی که در متن سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ مورد تأکید قرار گرفته؛ قطع اتکای هزینه‌های جاری به درآمدهای نفت و تأمین آن از محل درآمدهای مالیاتی و اختصاص عواید نفت برای توسعه سرمایه‌گذاری بر اساس کارآیی و بازدهی است. لذا پیشنهاد می‌شود که:

- ۱- بخشی از درآمدهای ناشی از فروش نفت به فعالیت‌های عمرانی جهت افزایش و گسترش زیرساخت‌های اقتصادی کشور تخصیص یابد که البته این سرمایه‌گذاری صرفاً در پروژه‌هایی صورت پذیرد که بخش خصوصی اجازه، امکان، تمایل یا ضرورت حضور در این بخش را ندارند
- ۲- از آنجاکه قطع یکباره درآمد نفتی در بودجه امکان‌پذیر نیست لذا بهترین شیوه‌ای که می‌تواند پیشنهاد شود این است که ما تا جایی که می‌توانیم مخارج جاری کشور را از طریق مالیات تأمین کنیم.
- ۳- به پایه‌ریزی اقتصادی مبتنی بر صنعت نفت دانش پایه، به جای دولت و بودجه متکی و وابسته به نفت و درآمدهای نفتی تأکید شود. با توجه به نوسانات قیمت نفت و درآمدهای نفتی بنظر می‌رسد بایستی بحث «اقتصاد بدون نفت» از حالت شعار بی‌محتوا خارج شده و در عمل و در تمام سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- ابریشمی، حمید، مهرآرا، محسن، (۱۳۸۱)، اقتصادسنجی کاربردی (رویکردهای نوین)، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، بهار.
- ارسلانی، علی، (۱۳۸۰)، تأثیر قیمت نفت بر متغیرهای کلان ایران طی ۱۳۷۹-۱۳۴۲، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- امینی، محمد علی و همکاران، (۱۳۷۵)، سایه نفت بر اقتصاد ایران: نگرشی به عملکرد برنامه اول عمرانی کشور ۱۳۷۲-۱۳۶۸، فروردین.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی ایران و ترازنامه، اداره حساب‌های اقتصادی، سال‌های مختلف.
- _____، (۱۳۸۳)، مکانیزم وصول درآمد حاصل از صادرات نفت، فرآورده‌های نفتی و گاز در ایران، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۲۳.
- بیدرام، رسول، (۱۳۸۱)، Eviews همگام با اقتصادسنجی، منشور بهره‌وری، چ ۱، بهار.
- پور مقیم، جواد، (۱۳۷۸)، اقتصاد بخش عمومی، تهران، نشر نی، چ ۵.
- جواد، شاهین، زنور، بهروز هادی، (۱۳۸۷)، مباحثی در خصوص استفاده از درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران (بیماری هلندی)، مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارش ۹۲۲۴، شهریورماه.
- عباسی‌نژاد، حسین، (۱۳۸۶)، اقتصادسنجی پیشرفته، انتشارات برادران، چ ۱.
- عمید، احسان، (۱۳۷۶)، بررسی اثر سیاست‌های مالی دولت و رشد اقتصادی، رساله کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، (۱۳۸۲)، چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی.
- سامتی، مرتضی، (۱۳۷۲)، اندازه مطلوب فعالیت‌های اقتصادی دولت در ایران، رساله دکترا، دانشگاه تربیت مدرس.
- شفیعی، سعیده، صبوری‌دیلمی، محمدحسن، (۱۳۸۷)، هدف‌های سند چشم‌انداز بیست ساله کشور در بخش نفت و گاز، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۵۰-۲۴۹، ۱۸۷-۱۷۴.
- شیرین‌بخش، شمس‌اله، حسن‌خوانساری، زهرا، (۱۳۸۴)، کاربرد Eviews در اقتصادسنجی، پژوهشکده امور اقتصادی، چ ۱.
- صمدی‌امین‌آبادی، وحید، (۱۳۷۸)، تجزیه و تحلیل اثرات شوک‌های نفتی بر متغیرهای کلان اقتصاد، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- صنیع‌دانش، علیرضا، (۱۳۷۴)، بررسی علل بزرگ شدن دولت در ایران ۷۰-۱۳۵۰، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.
- فرشادگهر، ناصر، (۱۳۸۲)، نگرشی بر درآمد نفتی هموندان اوپک و بازتاب‌های گوناگون آن، مجله نامه مفید، شماره ۳۸، مهر و آبان، ۲۶-۵.
- فرهنگ، علی‌اکبر، شیرکوند، سعید، (۱۳۸۷)، بررسی اثر درآمدهای نفتی بر فرآیند مدیریت اقتصادی

- کشور (۱۳۸۳-۱۳۵۳)، دانش مدیریت، دوره ۲۱، شماره ۸۰، بهار، ۱۰۴-۹۳.
- قدیری، امراله، (۱۳۷۹)، تجزیه و تحلیل عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی در ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
 - دادگر، یداله، (۱۳۸۶)، اقتصاد بخش عمومی، دانشگاه مفید، چاپ دوم.
 - دادگر، یداله، نظری، روح‌اله، (۱۳۸۶)، بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی در ایران، فصلنامه مالیات و توسعه، شماره ۴، پاییز، ۲۷-۷.
 - _____، (۱۳۸۷)، اندازه بهینه دولت مرکزی در کشورهای منتخب اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی، شماره ۹.
 - درگاهی، حسن، (۱۳۸۷)، رونق نفتی و چالش‌های توسعه‌ی اقتصادی (با تأکید بر ساختار تجارت و کاهش رقابت‌پذیری اقتصاد ایران)، مجله تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تهران، شماره ۸۴، پاییز.
 - رضائیان، علی، (۱۳۸۴)، ایجاد و استقرار مدل چشم‌انداز سازمانی در پرتو چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علوم انسانی کمال مدیریت، شماره ۸-۷، بهار، ۲۴-۵.
 - رزاقی، ابراهیم، (۱۳۸۰)، آشنایی با اقتصاد ایران، نشر نی، چ ۳.
 - زنانی، محسن، سامتی، مرتضی، فرازمنند، حسن، (۱۳۸۵)، بررسی رابطه تمرکز زدایی مالی و اندازه دولت در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۶، بهار، ۱۵۱-۱۲۵.
 - کمالی‌دهکردی، پروانه، (۱۳۷۲)، سیاست تعدیل اقتصادی در کشورهای کره جنوبی، غنا، نیجریه و جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چ ۱.
 - کمیجانی، اکبر، (۱۳۸۴)، چالش‌های اقتصاد ایران در سال ۸۴، مجله اقتصاد ایران، شماره ۷۴، فروردین.
 - _____، بوستانی، رضا، (۱۳۸۳)، ثبات تابع تقاضای پول در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۷، زمستان، ۲۵۸-۲۳۵.
 - _____، نظری، روح‌اله، (۱۳۸۸)، تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، پاییز، ۲۸-۱.
 - ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی اقتصاد ایران، (۱۳۹۰)، شماره ۱۵۴، آذر.
 - محنت‌فر، یوسف، (۱۳۸۳)، عوامل موثر بر هزینه‌های جاری دولت در ایران (۱۳۸۰-۱۳۳۸)، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۱۵، زمستان، ۱۰۸-۷۹.
 - مهرآرا، محسن، نیکی اسکویی، کامران، (۱۳۸۵)، تکانه‌های قیمت نفت و اثرات پویای آن بر متغیرهای کلان اقتصادی، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۰، پاییز، ۳۲-۱.
 - یوسفی، سیاوش، (۱۳۷۸)، گزارش بررسی تحولات مصرف انرژی کشور در برنامه‌های اول و دوم توسعه، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۶ و ۴۷، بهمن و اسفند، ۲۶-۱.
 - Bairam, Erkin, (1990), Government Size and Economic Growth: The African Experiences 1960-85, Applied Economic, 22, (10): 1422-1435.
 - Diamond, Jack, (1989), Government Expenditure and Economic Growth: An Empirical Investigation, IMF Working Papers, May.

- _____, (1990), Government Expenditure and Economic Growth, Finance and Development, December: 34-60.
- Folster, S and M. Hendrickson, (2006), Growth effects of government expenditure and taxation in rich countries, European Economic Review.
- Eltony Nagy, M, (2002), Oil price Fluctuations and their impact on the Macroeconomic Variables of Kuwait: A Case Study Using VAR Model for Kuwait, A Variable at: www.arbi-api.org/wps9908.pdf.
- Garrett Thomas A and Rhine Russell M, (2006), On the Size and Growth of Government, Federal Reserve Bank of St. Louis Review, January/February 88(1): 13-30.
- Guerrero, F and Parker, E, (2007), The Effect of Federal Government Size on Long-Term Economic Growth in the United States, 1792-2004, UNR Economics Working Paper Series, Working Paper No. 07-002.
- Gylfason, T. and T. Herbertsson, G. Zoega, (1999), A Mixed Blessing: Natural Resources and Economic Growth, Macroeconomic Dynamics 3: 204-225.
- Gylfason, T, (2001), Natural Resource, Education and Economic Development, European Economic Review, 45: 847-859.
- Heitger, B, (2001), The Scope of Government and Its Impact on Economic Growth in OECD Countries, Institute of World Economics.
- Holcombe R, et al, (1998), The Size and Function of Government and Economic Growth. Joint Economic Committee Study April: 1-34.
- Karras, G, (1993), Employment and Output Effects of Government Spending, economic Inquiry, XXXI: 354-369.
- _____, (1996), The Optimal Government Size: Further International Evidence on the Productivity of Government Services, Economic Inquiry XXXIV:193-203.
- _____, (1997), On the Optimal Government Size in Europe: Theory and Empirical Evidence, The Manchester School LXV, (3): 280-294.
- McDonald, Scott and Melt van Schoor, 2005, A Computable General Equilibrium (CGE) Analysis of the Impact of an Oil Price Increase in South Africa, PROVIDE Working Paper No. 1 (Elsenburg: The Western Cape Department of Agriculture).

- Mory, J.F, (1993), Oil price and economic activity: is the relation symmetric, *Energy Journal*, 14 (4): 151-161.
- Ram, R, (1986), Government size and economic growth, *The American Economic Review*, 76: 191-203.
- Ram, R, (1987), Wagner's Hypothesis Evidence for 115 Countries, *Review of Economics and Statistics*, 69: 194-204.
- Sachs, J.D. and A.M. Warner, (1995), Natural Resource Abundance and Economic Growth, NBER Working Paper 5398.
- Sachs, J.D. and A.M. Warner, (1999), The Big Push, Natural Resource Booms and Growth, *Journal of Development Economics*, Vol.59; 43-76.
- Sachs, J.D. and A.M. Warner , (2001), Natural Resources and Economic Development: The Curse of Natural Resources, *European Economic Review*, 45: 827-838.
- Safdari, M., Abouie M.M. and Elahi, M, (2011), Government Size and Economic Growth in Iran, *International Research Journal of Finance and Economics*, Issue 71.
- Sala-I-Martin, Xavier and Arvind Subramanian , (2003), Addressing the Natural Resource Curse: An Illustration from Nigeria” Cambridge, MA: NBER Working Paper No. 9804.
- Shahbaz, M., Ur Rehman, H. and Amir, N, (2010), The Impact of Trade and Financial-Openness on Government Size: A Case Study of Pakistan, *Journal of Quality and Technology Management*, Vol.VI, Issue 1, June: 105 – 118.
- Valadkhani, A, and Mitchell, W. F, (2002), Assessing the Impact of Changes in Petroleum Prices on Inflation and Household Expenditures in Australia, *Australian Economic Review*, 35, June .
- Yak, Wing, (2005), Government Size and Economic Growth: Time-Series Evidence For The United Kingdom, *Econometrics Working Paper EWP0501*, January.
- Yasin Mesghena, (2001), Public Spending and Economic Growth: Empirical Investigation of Sub-Saharan Africa, *Southwestern Economic Review*.
- Yavas, Abdullah, (1998), Does too much government investment retard economic development of a country, *Journal of Economic Studies*, 25(4): 296-308.

نسبت سایر درآمدهای دولت به درآمدهای عمومی دولت (درصد)	نسبت درآمدهای مالیاتی به درآمدهای عمومی دولت (درصد)	نسبت درآمدهای نفتی به درآمدهای عمومی دولت (درصد)	سال	نسبت سایر درآمدهای دولت به درآمدهای عمومی دولت (درصد)	نسبت مالیاتی به درآمدهای عمومی دولت (درصد)	نسبت درآمدهای نفتی به درآمدهای عمومی دولت (درصد)	سال	نسبت سایر درآمدهای دولت به درآمدهای عمومی دولت (درصد)	نسبت مالیاتی به درآمدهای عمومی دولت (درصد)	نسبت درآمدهای نفتی به درآمدهای عمومی دولت (درصد)	سال
۷	۳۱/۳	۶۱/۷	۱۳۸۲	۱۵	۳۳/۱	۵۱/۹	۱۳۶۳	۱۹/۳	۳۶/۶	۳۹/۳	۱۳۶۶
۷/۹	۳۳/۱	۵۹	۱۳۸۳	۱۵/۹	۳۸/۸	۴۵/۳	۱۳۶۴	۲۲/۵	۴۰/۷	۳۸/۸	۱۳۶۷
۱۷/۲	۳۶/۷	۴۸	۱۳۸۴	۱۴/۵	۴۰/۷	۲۵/۵	۱۳۶۵	۲۳/۵	۴۰/۳	۴۷/۷	۱۳۶۸
۱۹/۳	۳۶/۶	۴۳/۹	۱۳۸۵	۱۳/۳	۳۶/۲	۳۹/۴	۱۳۶۶	۲۵/۷	۴۰/۳	۴۷/۷	۱۳۶۹
۲۲/۵	۴۰/۷	۲۶/۷	۱۳۸۶	۱۷/۹	۲۶/۲	۳۸/۸	۱۳۶۷	۱۶/۴	۴۸	۵۹/۸	۱۳۷۰
۲۳/۵	۴۰/۳	۳۶/۲	۱۳۸۷	۱۴/۹	۲۶/۲	۴۷/۷	۱۳۶۸	۱۶/۴	۳۷/۴	۵۱/۱	۱۳۷۱
۲۵/۷	۴۸	۲۶/۲	۱۳۸۸	۱۰/۲	۴۸	۳۰	۱۳۶۹	۲۵/۷	۴۸	۳۹/۹	۱۳۷۰
۱۶/۴	۳۷/۴	۴۶/۲	*۱۳۸۹	۹	۳۷/۴	۵۱/۱	۱۳۷۰	۲۲/۹	۳۷/۴	۵۲	۱۳۷۱
۲۲/۹	۳۶/۶	۴۰/۴	*۱۳۹۰	۹/۸	۳۶/۶	۵۲	۱۳۷۱				

پیوست: سهم ترکیب درآمدها از بودجه دولت طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۵۳ در ایران

نسبت سایر درآمدهای دولت عمومی (درصد)	نسبت درآمدهای مالیاتی به درآمدهای دولت عمومی (درصد)	نسبت درآمدهای نفتی به درآمدهای دولت عمومی (درصد)	سال	نسبت سایر درآمدهای دولت عمومی (درصد)	نسبت مالیاتی به درآمدهای دولت عمومی (درصد)	نسبت درآمدهای نفتی به درآمدهای دولت عمومی (درصد)	سال	نسبت سایر درآمدهای دولت عمومی (درصد)	نسبت مالیاتی به درآمدهای دولت عمومی (درصد)	نسبت درآمدهای نفتی به درآمدهای دولت عمومی (درصد)	سال
۷/۵	۲۰	۷۲/۵	۱۳۷۲	۲/۳	۱۱/۳	۸۶/۴	۱۳۵۳	۷/۸	۱۸/۸	۷۸/۸	۱۳۵۴
۱۸/۳	۱۷/۶	۶۴/۱	۱۳۷۴	۴/۱	۱۷/۱	۷۷/۴	۱۳۵۵	۱۱/۲	۲۲	۷۳/۶	۱۳۵۶
۱۳/۸	۲۷/۸	۵۸/۴	۱۳۷۶	۷/۶	۲۹/۱	۶۳/۴	۱۳۵۷	۱۳/۶	۲۷/۸	۶۱/۸	۱۳۵۸
۸/۶	۴۳/۶	۴۲	۱۳۷۷	۶/۵	۲۱/۷	۷۱/۸	۱۳۵۹	۸/۲	۳۵	۶۷	۱۳۶۰
۹/۴	۳۳/۳	۵۷/۳	۱۳۸۰	۹	۳۱/۳	۵۹/۷	۱۳۶۰	۷/۳	۲۴/۵	۶۷/۵	۱۳۶۱
۷/۳	۳۰/۶	۶۲/۱	۱۳۸۱	۷/۲	۲۸/۷	۶۴/۱	۱۳۶۲				

